



شماره ۱۱ - نیمه اول شهریور ۱۳۶۶ - ۱۰۰ ریال

مقاومت توده‌ای در برابر فشارهای جدید رژیم گسترش مییابد

رژیم آغاز شد، سر بازگیری‌ها، بی‌بورش برزنان در شهرها، فشار به خانواده بیشترگان، بورش بردستفروشان، کارگران بی‌کار و ناغل گسترش یافت و حتمی در مواردی به اوج وحشیگری رسید. رژیم با بکارگیری کشتار غلظتی مردم، ترور، کج، تبعید، دستگیری و زندان و شکنجه، آتش زدن منازل، و مزارع و خمپاره باران‌ها برآه انداختن دارو دسته، گشتی و گسروه

از آغاز بهار را سال کشمکش و مبارزه میان توده‌های مبارز مردم کردستان و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مداوم شدت و گسترش یافته است. در این توده‌های مردم در تمام عرصه‌ها، در شهر و روستا، در مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر و سیاستهای فدا نقلابی رژیم جورا نه‌تر و مسممانه تریه میدان آمده بودند و در سوی دیگر به دنبال شدت یافتن این مبارزات موجی از بورش سرکوبگرانه، نیروهای

بقیه در صفحه ۵

کارگران شاغل روستا و مطالبات آنها

بخش وسیعی از کارگران کردستان در روستاها به کار زندگی اشتغال دارند. این بخش از کارگران از طریق کار در رشته‌های کشت و زرع، باغداری، کار ساختمانی، کارهای فنی و سایر کارهای برآکنده و موقت معیشت خود را تأمین می‌کنند. کارگران روستا از شاق ترین و دشوارترین کارها بوده و این بخش از کارگران تحت این شرایط بطور وحشیانه‌ای استثمار میشوند. سطح معیشت آنها بدلیل پائین بودن میزان دستمزد، فقصدان امکانات اولیه زندگی در روستا و بیگاری در مدت زیادی از سال، در سطح بسیار پائین قرار دارد. شکل غالب کسار در

بقیه در صفحه ۷

یاد رفیق فواد همیشه زنده است

نهم شهریور ماه سال ۵۸، رفیق فواد مصطفی سلطانی رهبر کمونیست و انقلابی، در جنگی نابرابر با ستونی از نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی در جاده مرهوان - سقر، قهرمانانه جان باخت.

کاک فواد که سال ۱۳۲۷ در روستای آلمان از توابع مرهوان متولد شده بود، از همان آغاز جوانی، در دوران



بقیه در صفحه ۶

در صفحات دیگر:

- مبارزان مراکز صنعتی ۹
- اخبار کارگری ۱۰
- اخبار فعالیت نیروی ۱۲
- بیشتر کومه‌له ۱۲
- اخبار توده‌ای ۱۵
- از میان اخبار جهان ۱۸
- اهمیت سیاسی اعتماد ۲۰
- کارگران افریقای جنوبی ۲۰
- شعر: "قدرت در تشکل است" ۲۱
- گرامی باد باد... ۲۶
- از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸ ۲۸
- درباره اعلام تفسیرات جدید در ۲۸
- پیش نویس قانون کار اسلامی ۲۸

سخنان رفیق جعفر شفیعی

به مناسبت سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران

در صفحه ۲

★ سرنگونی یک فانتوم جمهوری اسلامی توسط

پدافند نیروی پیشبرگ کومه‌له

★ گروه‌های ضربت رژیم زیر ضربات پیشبرگان کومه‌له

★ برگزاری مراسم سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران

در مقرهای مرکزی و مراکز آموزش پیشبرگان کومه‌له



سخنان رفیق جعفر شفیعی

بمناسبت سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران

آنچه می‌خوانید سخنرانی رفیق جعفر شفیعی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی کومه‌له، بمناسبت گذشت چهار سال بر حیات سرشار از مبارزه "حزب کمونیست ایران" است؛ این سخنرانی در مراسم بزرگداشت ۱۱ شهریور سالروز تشکیل حزب در یکی از مقرهای مرکزی کومه‌له ایراد شده و از صدای انقلاب ایران پخش گردیده است.

رفقای حزبی!

کارگران کمونیست و پیشرو!

آغاز پنجمین سال حیات حزب کمونیست ایران راه شما و به کارگران ایران، به همه بخش‌های مختلف تشکیلات، چه آن‌ها که در بخش تشکیلات مخفی کار میکنند و چه آن‌ها که در سنگرهای کردستان انقلابی، علیه جمهوری اسلامی ایستاده‌اند؛ و چه آن‌ها که در زندان‌ها و سبزه‌ها لهای جمهوری اسلامی قهرمانانه مقاومت میکنند، تبریک میگویم.

بزرگداشت سالگرد تشکیل حزب کمونیست صرفاً بزرگداشت تشکیل یک حزب کمونیست نیست، بلکه به نظر من بزرگداشت تلاش و مبارزه جدی برای تبدیل کردن کمونیسم به یک جریان اجتماعی کارگری و قدم برداشتن جدی برای فراهم آوردن ملزومات انقلاب سوسیالیستی است.

حزب کمونیست اساساً برای انقلاب اجتماعی طبقه کارگر به منظور تشکیل حکومت کارگری و سرانجام برای سازمان دادن جامعه سوسیالیستی تشکیل شده است. حزب کمونیست صرفاً برای این هدف تشکیل شده و نه چیز دیگر! و اگر قرار باشد تعریفی از حزب کمونیست بدست دهیم جز این چیزی نیست. به همین دلیل ما چه پیش از تشکیل حزب و چه به خصوص پس از تشکیل آن نمی‌توانستیم سیمای دیگری داشته باشیم جز یک سیمای جدی فدربویزیونیستی. به این معنی که ما نه تنها می‌بایست یک حزب فدسرمابه‌داری باشیم بلکه در عین حال می‌بایست یک حزب جدی فدربویزیونیستی باشیم و این ویژگی ما باشد؛ در واقع هم همینطور بود. دلیل آن هم روشن است. از همان آغاز حرکت مارکسیسم انقلابی، به خصوص از هنگام تشکیل حزب کمونیست تا کنون نیز، ما جریانی بوده‌ایم برخلاف جریان موجود، برخلاف آن مشی و ستن وایدشولوزی و نگرشی که بر "چپ" حاکم بوده است.

جریانی که "چپ" ایران راه منابه بخشی از "چپ" جهان فرا گرفته بود، تنها یک جریان درون ایرانی نبود؛ یک فدربویزیونیسم درون ایرانی نبود بلکه یک جریان تاریخی - جهانی بود که در شرایط خاص ایران رنگ و بوی ویژه خود را داشت. به نام طبقه کارگر، به نام کمونیسم، سازشی طبقاتی میشد؛ در برابر کارگران از سرمایه‌داری دفاع میشد؛ و در بهترین حالت خود تنزل و تردید در مبارزه علیه سرمایه‌داری وجود داشت. این برای ما روشن بود

که هر آرمانی و هر گرایشی که در مبارزه علیه بورژوازی، نباشد؛ چنین جریانی نمی‌تواند کمونیسم باشد. جریانی که از سرمایه‌داری متنفر نباشد، جریانی که علیه منافع و مصالح طبقه کارگر عمل کند نمی‌تواند کمونیسم باشد. جریانی که اشغال گری باشد، سرزمینهای دیگر را اشغال نماید نمی‌تواند یک جریانی کمونیستی باشد. جریانی که همواره و به هر شیوه با احزاب بورژوازی، با جریانات بورژوازی سازش کند و ایدئولوژی و پرنسب طبقه کارگر را بفرودد، نمی‌تواند یک جریان کمونیستی باشد. و بالاخره جریانی که از خمینی دفاع کند نمی‌تواند یک جریان کمونیستی باشد.

ما ناچار شدیم علیه آن سیلاب فدربویزیونیستی حرکت کنیم. آنچه عادت جاری به شما می‌رفت تنها فدربویزیونیسم بود. ما ناچار بودیم برای پیشبرد جریان کمونیسم - انقلابی، مارکسیزم انقلابی، در برابر این سیلاب بایستیم. البته خود انقلاب ایران در این دوره تا حد معینی به این امر کمک میکرد و حقانیت و صحت نظریات ما را تا بیدمی نمود. به هر حال ما با آن خطت فدربویزیونیستی شناخته میشویم و اگر از ما بپرسند که مهمترین ویژگی شما چیست، و در پاسخ تنها به یک ویژگی اشاره کنیم من خواهم گفت خطت فدربویزیونیستی است در تمام ابعاد آن؛ در بعد جهانی آن، در بعد ایرانی آن، در شکل دولتی آن در شکل غیردولتی آن و بالاخره در هر شکل و شمایل آن! از نظر ما راه طبقه کارگر روشن است. بی‌چون و چرا، بدون اینکه هیچگونه محدودیت اقتصادی - اجتماعی یا هیچ مانع بزرگ مادی و تاریخی وجود داشته باشد، برقراری حکومت کارگری نخستین وظیفه ماست و با استفاده از حکومت کارگری لغو و انحلال مالکیت خصوصی سرمایه‌داری؛ لغو و انحلال برده‌گی کار توسط سرمایه و ایجاد یک جامعه آزاد و برابر. اما تحقق بخشیدن به این آرمان ملزومات خود را طلب میکند. برقراری حکومت کارگری و جامعه سوسیالیستی و سپس کمونیستی، یک عمل اجتماعی است. این براتیک اجتماعی توسط یک نیروی اجتماعی عملی میشود آن هم نیروی طبقه کارگر است. کمونیسم در عین حال که علم رهائی بخش طبقه کارگر است، راه‌های بشریت را با انقلاب و مبارزه یک طبقه معین اجتماعی یعنی طبقه کارگر، گره زده است.

به این ترتیب یک جنبه دیگر چهره و سیماي ما که در حقیقت با خلعت مدربویزیونیستی ماکل واحدی را تشکیل میدهد خلعت کارگری بودن آن کمونیسمی است که ما از آن صحبت میکنیم و کلاً آن چیزی است که ما به عنوان کمونیسم کارگری از آن نام می‌بریم. من اینجا مختصراً به آن اشاره میکنم.

تا آنجا که به وضعیت اقتصادی اجتماعی نظام کنونی مربوط است، همه زمین‌ها برای انقلاب اجتماعی، برای برپا کردن حکومت کارگری و انقلاب سوسیالیستی و ایجاد جامعه کمونیستی آماده است. سرمایه‌داری نه تنها به اصطلاح عمر خودش را کرده بلکه زیادی هم ادامه حیات داده، بیش از آنچه باید عمر کرده و اگر برخی علل تاریخی در بین نبودمی بایست مدت‌ها پیش جامعه سرمایه‌داری از بین میرفت و به گور سپرده میشد. برپا کردن حکومت کارگری چیزی نیست که ما صرفاً از آن به عنوان هدفی در آینده صحبت کنیم. در گذشته نیز ما حداقل دو بار شاهد دو حکومت کارگری بوده‌ایم؛ شاهد حکومت کارگری پاریس - حکومت کموناردها - بوده‌ایم و همچنین شاهد حکومت کارگری در روسیه بوده‌ایم؛ شاهد انقلاب اکتبر بوده‌ایم. به علاوه سرمایه‌داری در پراتیک خود نشان داده است که دیگر صلاحیت رهبری جامعه را از دست داده و باید برود؛ آن همه نکیبت و فشار و محنتی که این نظام برای بشریت بوجود آورده است، چنان نفرت - انگیز است که در واقع صحبت کردن از آن هم تحمل نخواهد. بیکاری، گرسنگی، اعتیاد، فحشاء، فحقان و... زندگی را بر بشریت تلخ کرده و مجاللی برای برخورداری بشریت از لذت‌های زندگی باقی نگذاشته است. کشور صنعتی و متروپولی نظیر آمریکا ۸ میلیون کارگر بیکار دارد. در انگلستان ۳ میلیون کارگر بیکار هست. البته اینها آمارهایی است که خود دولت‌ها اعلام کرده‌اند. و ناگفته پیداست که آمار واقعی بسیار بیشتر از اینهاست. و اما توزیع ثروت در همان آمریکا به این ترتیب است که ۱۰٪ جمعیت آمریکا ۷۰٪ تمام ثروت آمریکا را در اختیار دارد و ۱٪ جمعیت این کشور دارای ۲۸٪ کل ثروت آن کشور است. در رابطه با گرسنگی، ۷۳۰ میلیون نفر از مردم دنیا شورا کافی ندارند و گرسنه‌اند؛ به عبارتی از ۹ نفر جمعیت جهان یک نفر تحت فشار گرسنگی است. و از هر ۷۳ نفر جمعیت دنیا یک نفر از گرسنگی می‌میرد؛ تنها در اتیوپی در سال ۱۹۸۴ یک میلیون نفر از گرسنگی مرده‌اند. و این در حالیست که آن غلات اغافی که تنها در انبارهای بخشی از کشورهای اروپایی احتکار شده و از فروش آن جلوگیری میشود و نمی‌گذارند به بازار بیاید، در سال ۱۹۸۷ بیش از ۴۰۰ میلیون تن بوده است؛ غلاتی که نگهداری شده و به فروش نمیرسد تا قیمت آن پایین نیاید؛ و تنها هزینه انبار کردن این ۴۰۰ میلیون تن غله ۱۶ میلیون دلار است.

این نظام باید نابود شود؛ حق ادامه حیات ندارد؛ در باره فحشاء؛ در جایی مثل بانکوک یکمدهزار فاحشه هست. در برخی از برزیل که جمعیت آن حدود دویلمیون نفر است، ۸۵ هزار فاحشه هست. در حال حاضر آشکارا زنان را به عنوان فاحشه کشور به کشور صادر میکنند. این نظام باید برود؛ زیادی زنده مانده است؛ در همین حال ما شاهد جنبش نیرومند کارگری هستیم. طبقه کارگر به این نظام اعتراض دارد. ما شاهد جنبش کارگری وسیع افریقای جنوبی هستیم. در انگلستان و فرانسه در آلمان نیز کارگران مطالبه ۳۵ ساعت کار را پیش کشیده‌اند. همچنین در آمریکا، کره، جنوبی، هایتی و شیلی، برزمینه بحران اقتصادی موجود، جهان دستخوش یک تحول انقلابی شده است. اما مسأله اینست که چه در گذشته و چه در دوره کنونی که وضع چنین است، چه دلیلی دارد که جنبش کارگری نظام سرمایه‌داری را از بیخ و بن بر نمی‌کند و شاهد آن نیستیم که در بسیاری کشورها حکومت کارگری بر سر کار بیاید و ما لکیت خصوصی سرمایه‌داری از بین برود؟ علت چیست؟ در حالی که شرایط آماده است. پاسخ ما اینست که صفوف آن نیروی اجتماعی انقلاب، صفوف

انقلاب کمونیستی دستخوش یک جدائی است. انقلاب اجتماعی، انقلاب سوسیالیستی، حداقل بردستون اصلی استوار است؛ یکی جنبش خود طبقه کارگر و دیگری کمونیسم، رهبران کمونیست و تشکیلات کمونیستی. مدتهاست که میان این دستون اصلی شکاف افتاده است. در غیاب کمونیسم انقلابی، در غیاب یک تشکیلات نیرومند کمونیستی که طبقه کارگر را برای این انقلاب رهبری کند، دست کم تجربه نشان داده است که طبقه کارگر حداقل کثرت، دستا وردهای کوچک میرسد، آنهم برای مدتی موقت؛ و اگر بهروزی هم بدست می‌آورد بنا به تجربه مجدداً عقب رانده میشود. در غیاب کمونیسم انقلابی و حزب نیرومند کمونیستی، احزاب ریویزیونیست، آن حزابی که طرفدار نظام سرمایه‌داریند و دست به ریخته نظام سرمایه‌داری نمی‌برند، زمام جنبش را به دست میگیرند. آنان جنبش کارگری را سکوی به قدرت رسیدن خود قرار میدهند، و در این میان این طبقه کارگر است که قربانی میشود، بی آنکه به اهداف خود به آرمان‌های خود برسد. ما میخواهیم به این جدائی پایان دهیم و با عمل خود مهمترین ملزومات انقلاب کارگری، انقلاب اجتماعی، انقلاب کمونیستی را فراهم آوریم. ما معتقدیم بدون این وحدت، بدون پیوند کمونیسم با جنبش کارگری، انقلاب اجتماعی ممکن نیست. ما میخواهیم دوران دیگری از جنبش کارگری پدید آوریم که پرچم کمونیسم در دست جنبش کارگری باشد. میخواهیم کارگران به هنگام مبارزه، وقتی که اعتلای سیاسی هست و همچنین وقتی که اعتلای سیاسی نیست، بدانند چه میخواهند و به چه چیزی کمتر از حکومت کارگری رضایت ندهند. بدانند که رهائیشان در ناسودی نظام سرمایه‌داری، ناسودی بردگی کار و برپائی حکومت کارگری و استقرار جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است. میخواهیم نوده‌های ۱۰ میلیونی و صد میلیونی کارگران با این هدف بر طبق این سیاست به میدان مبارزه بیایند. در برابر چنین نیروی هیچ قدرت بورژوازی را برای ایستادگی نیست. ما برای به سرانجام رساندن این انقلاب اجتماعی، انقلاب سوسیالیستی با آن خلعت و سیمائی که گفتم، حزب کمونیست را تشکیل دادیم.

تا شبح حزب کمونیست و فعالیت این حزب چه بوده است؟ میتوانم در چند نکته خلاصه کنم: اول اینکه حزب کمونیست در موقعیت حساسی تشکیل شد. همه شرایط دشوار پس از ۳۰ خرداد ۵۶ را به خاطر دارید. بورژوازی هار جمهوری اسلامی بورش گسترده‌ای بر طبقه کارگر و کل چپ ایران آورده بود. در چنین شرایطی بود که با تشکیل حزب کمونیست ما یک سنگرمقاومت کمونیستی در برابر بورش جمهوری اسلامی ایجاد کردیم. یک قطب کمونیستی کارگری در برابر آن بورش ایجاد شد؛ آنهم در شرایطی که ناامیدی و سرگشتگی کل چپ را فرا گرفته بود. این حزب، ابزاری شد برای تداوم کار کمونیستی و نه تنها تداوم بلکه گسترش دادن و شکوفای کردن آن.

با تاسیس حزب کمونیست و همچنین با فعالیت متعاقب آن؛ با روشنتر کردن هر چه بیشتر سبک کار کمونیستی شیوه تبلیغ کمونیستی؛ شیوه ترویج کمونیستی، شیوه سازماندهی کمونیستی و سیاست سازماندهی درست در میان کارگران، ما قدمهای جدی فراوانی در جهت همان هدف که گفتم، یعنی در جهت کمونیسم کارگری برداشته‌ایم. ما چندین سال است که به این امر مشغولیم. هر پیشروی مادر زمینه تبلیغ کمونیستی که ناچار بوده‌ایم در گرما گرم یک مبارزه جدی علیه ریویزیونیسم بدست آوریم، فدائی بوده برای تبدیل کردن کمونیسم به یک جریان اجتماعی کارگری، در زمینه ترویج و سازماندهی نیز چنین بود و نتیجه این شده که کارگران ایران بیش از همیشه نسبت به کمونیسم و حزب کمونیست حساس باشند و تعداد قابل ملاحظه‌ای از پیشروترین کارگران به طرف کمونیسم بیایند و حتی تعدادی از ما را به پیشروی از آن کسانی که شرایط مستقیم تشکیلاتی با ما دارند، بیش از پیش تحت تاثیر کمونیسم باشند و این گرایش

تاریخ تنها دورانهای محدودی بمثابه فرصت تاریخی پیش میاید. این دورانها سریعاً تکرار نخواهند شد. باید طبقه کارگر را طوری پرورده کرد که به شیوه واقعی و مادی به مدعی و خواهان قدرت منسد قدرت سیاسی در ایران تبدیل شود؛ و با شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری به کوچه و خیابان بریزد، در کارخانهها بساخیزد و دستگاہ سرکوب دولتی را درهم بشکند و قدرت سیاسی را به تصرف آورد. هیچگونه تعلل و تاخیری جایز نیست. ما برای نفس حکومت کارگری - که پوپولیستها و ویزیونیستها علاقمندند آن را خیلی به تاخیر اندازند و انمود کنند که در آیندهای دور، برپا خواهند شد - خیلی عجله داریم. ما میخواهیم همین فردا آنرا برپا کنیم و اگر طبقه کارگر آمادگی داشت ما همین فردا در برپا کردن آن درنگ نمی کردیم.

در چنین شرایطی پیداست که حزب کمونیست وظایف سنگینی بر عهده دارد.

وظیفه‌های تاریخی پرورش داریم. اگر در ایران طبقه کارگر بتواند قدرت را به دست گیرد، یک سکوی مستحکم انقلاب خواهد بود برای گسترش کمونیسم کارگری در ابعاد بسیار فراتر از ایران! این نه تنها وظیفه‌ای داخلی که یک وظیفه بسیار مهم و پسر ارزش انترناسیونالیستی است.

اما در مبارزه بر سر قدرت سیاسی، نیرو تعیین کننده است. در شرایطی که تحولات سیاسی پیش می‌آید، اگر چندان قدرتمند نشده بودیم که قدرت سیاسی را به دست گیریم، دست کم آنقدر خود را نیرومند خواهیم کرد که نگذاریم دیگر هیچ دولت بورژوازی بتواند دوران باثباتی از حکومت بورژوازی در ایران پدید آورد. و نه تنها در نتیجه به میدان آمدن آن نیرو هیچ حکومت بورژوازی در ایران باثبات نیابد، بلکه خود حکومت‌های بورژوازی در ایران را دچار آشفتگی و بحران بی دربی نماید، دچار انقلاباتی بی دربی نماید، و سرانجام خود قدرت را در دست گیرد.

به خصوص در کردستان شرایط بسیار مساعدتر و هموارتر است؛ و وظیفه‌ی بی چون و چرای حزب کمونیست است که تلاش کنیم تا در هر تغییر و تحول سیاسی، چه در ایران و چه در کردستان، کارگران به قدرت سیاسی نزدیک شوند.

به علاوه از نظر جهانی نیز فعالیت ما می‌تواند تا شیرات جدی داشته باشد. ریبویونیسم خود دچار بحران است و توانایی آن را ندارد که در برابر رادیکالیسم کارگران مقاومت ورزد؛ بسیاری مقاومت در برابر جنبش معدنچیان جنبش کارگری افریقای جنوبی و جنبش کارگران متروی پاریس را ندارد. ریبویونیسم دارد تهی میشود. زمینه برای جذب کمونیسم، برای گسترش کمونیسم در میان کارگران، چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی، بسیار آماده است. این مسائلی که در حزب خودرویی آن صحبت میکنیم به هیچوجه مسائلی صرفاً ایرانی نیستند. مسائلی جهانی‌اند. ما در این عرصه هم میخواهیم این گرایش و اعتقادات را به مکتب نظری و عملی جهانی کارگران تبدیل کنیم و برای این هدف تلاش میکنیم. حرف آخر من اینست که حزبی نظیر حزب کمونیست ایران که چنین مبارزه تاریخی سزوش سازی را در دستور خود دارد دستاورد طبقه کارگر است. این دستاورد را باید حفظ کرد. هر کارگر پیشرو انقلابی باید از آن دفاع کند؛ هر انسان آزادیخواه که خواهان رهاشیت باشد جداً از آن دفاع کند. این دستاورد را باید بادل و جان حفظ کرد!

زنده باد کمونیسم!

زنده باد حزب کمونیست ایران!

زنده باد طبقه کارگر!



و این سیاست و این سبک کار را سر مشق خود قرار دهند. این سبک دستاورد بزرگ است. در کردستان این واقعیت گسترده تربوده است: اشاعه و وسیع کمونیسم در کردستان؛ تبدیل شدن آن به یک واقعیت انکارناپذیر اجتماعی؛ جلوگیری از سیاست نکست طلبانه حزب دمکرات در برابر جمهوری اسلامی؛ جلوگیری از تسلط بافتن سیاستهای حزب دمکرات بر جنبش انقلابی مردم زحمتکش، پاسخ دادن به آن و نشان دادن آن بر سر جای خود همه تبلیغات ما، رادیوهای ما، هزاران مبلغ و فعال موفوف حزب کمونیست ایران، نشریات حزبی ما، نشریات سیاسی و تبلیغی و تشویق ما، همه و همه در خدمت اهداف فوق بوده‌اند. فعالیت ما در آینده نیز باز بر همین اساس و متوجه این دورنما خواهد بود:

هر چه بیشتر تبدیل کردن کمونیسم به یک جریان اجتماعی کارگری متکی کردن حزب کمونیست به کارگران کمونیست و پیشرو در جنبش کارگری و همچنین هر چه روشن تر نشان دادن جامعه‌ای که فردا می‌خواهیم بسازیم - البته در این زمینه بررسی مساله شوروی جایگاه خاصی خود را دارد.

ما اکنون در شرایط ویژه‌ای این سیاستها و فعالیتها را خودمان را به پیش می‌بریم، یعنی در دل اوضاع و احوال ویژه‌ای که مبارزه سیاسی در ایران سیمای سیاسی - طبقاتی خاصی دارد؛ اگر خود جمهوری اسلامی را در نظر بگیریم در یک بحران عمیق اقتصادی سیاسی حکومتی و اجتماعی فرو رفته است. اختلافات درونی رژیم تا آن اندازه شدت یافته که تنها زنده ماندن خمینی سبب شده که این رژیم از فرق سرد و پاره نشود. از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، از لحاظ جنگ وضعیت رژیم در بدترین حالت خود میباشد. ۷ تا ۸ میلیون نفر بی‌کارند که اگر خانواده‌ها - بنابر احساب کنیم ۲۰ تا ۲۵ میلیون راد برخواهد گرفت. گرانی زندگی را بر مردم حرام کرده و بنا بر محاسباتی که شده نرخ تورم نسبت به سال ۵۸ در حال حاضر ۵۰۰٪ است! تعداد زیادی از مردم ایران به خارج از ایران آواره شده‌اند. تنها در ترکیه یک میلیون نفر آواره ایرانی هست. نرخ افزایش جمعیت ایران اکنون ۳/۳ درصد یعنی بالاترین رقم رشد جمعیت در سراسر جهان است! و این در حالیکه شورشک به نصف میزان سابق وارد میشود! برای چنین رژیمی ادامه حکومت کردن دشوار است. به علاوه رژیم از لحاظ بین‌المللی نیز در موقعیت دشواری قرار گرفته است. این رژیم اگر برپا مانده تنها به دلیل نگرانی امپریالیسم از انقلاب آینده ایران است. رژیم در حالتی است که چه از نظر پاپین یعنی از نظر طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش؛ و چه از نظر بالا، رفتنی است و باید برود! این رژیم به غایت ناپایدار است. و این در حالتی است که همه اپوزیسیونهای بورژوازی، نیروهای بورژوازی، با عجله دارند خود را آماده میکنند؛ مساله ائتلاف مطرح میشود. مساله نزدیک کردن خود به نیروهای بورژوازی و امپریالیستی مطرح میشود چرا که میخواهند در تحولات سیاسی آتی ایران جایگاهی و نقشی برای خود دست و پا کنند. به خصوص در چنین شرایط آشفته و بی ثباتی جا دارد و باید طبقه کارگر بیش از همه طبقات دیگر به آماده کردن خود بپردازد تا در تحولات آینده قدرت سیاسی را به چنگ آورد.

جمهوری اسلامی خود دچار بحران است؛ بورژوازی ایران دچار بحران است؛ بورژوازی جهان در حال بحران است؛ امپریالیسم در بحران اقتصادی - سیاسی است و در کشورهای تحت سلطه با بحران حکومتی روبرو است و در نتیجه مساله قدرت سیاسی کاملاً مفتوح است. در چنین شرایطی، آماده کردن طبقه کارگر، استحکام کمونیسم در میان طبقه کارگر، تبدیل کمونیسم به یک جریان اجتماعی، آماده شدن طبقه کارگر برای آنکه در هر تحول جدی سیاسی فوراً حکومت کارگری خود را برپا کند، هم اکنون یک مساله حیاتی است. این فرصت تاریخی را که هم اکنون هست نباید از دست داد. در طول

مقاومت توده‌ای در برابر فشارهای جدید

رژیم گسترش میابد

ضربت و گروه ویژه، تلاش جدید خود را برای جلوگیری از گسترش روزافزون مبارزه و اعتراضات توده‌ای و اختلال در همکاری مردم و پیشمرگان آغاز نمود. بدین ترتیب با ضدحمله وسیع و سرکوبگرانه رژیم کشف‌کنش میسان توده‌های مبارز و معترض از یک سو و نیروهای رژیم زسوی دیگر گسترش تازه‌ای یافته و تاکنون نیز همچنان ادامه دارد. سررویدادها در چند ماه گذشته علناً نشان داد که رژیم در این بی‌شورش سرکوبگرانه نه تنها به اهداف خود یعنی جلوگیری از گسترش مبارزه توده‌ای نرسیده بلکه در دل همین کشف‌کنشها با موج جدیدی از اعتراضات روبرو گشته است. مبارزه و مقاومت توده‌ای که بر بستر عمیق تر شدن نفرت و انزجار نسبت به سرکوبگران جاری بود مداوماً گسترش می‌یابد، و ایستادگی در برابر فشارهای این ضدحمله جدید رژیم خود به عرصه دیگری از مبارزه قاطعانه در برابر سرزودوران جمهوری اسلامی تبدیل شده است. نظری به سیاست تسلیم اجباری و نگهبانی اجباری رژیم میاندا رژیم! بدنبال گسترش عملیات نظامی پیشمرگان مبارزه مردم در مقابل این سیاست شدت بیشتری یافته است، شعاری از پایگاه و مقرهای رژیم برجسته شده اند، تعدادی را خود رژیم برچیدو پس دادن اسلحه نه تنها در میان بزور مسلح شدگان بلکه در میان افراد مسلح رژیم نیز جلب توجه می‌کند. هر جا رژیم بخواد سیاست تسلیم اجباری را بر مردم تحمیل نماید با مقاومت و اعتراض شدید توده‌های تری روبرو خواهد شد. موفقیت مردم مبارز روستاها "حسین آباد" و "پال" و "قولیان" در شکست این سیاست و امتناع اکثریت قریب به اتفاق مردمی که رژیم پس از ۴۰ روز فشار و تهدید، در روستای "توربوهر" مسلح کرده بود از گرفتن سلاح رژیم روشن ترین و جدیدترین نمونه‌ها هستند. بر اثبات تحکیم مبارزه توده‌ای در این

عرصه می‌باشد.

در عرصه سرزادگیری با یادآوری آخرین نمونه‌ها از مبارزه و کشتن مردم و رژیم میتوان نشان داد که چگونه این سیاست رژیم به سوی شکست و ناکامی کامل می‌رود. در شهر سنج مزدوران مورد تعرض جوانان قرار می‌گیرند، در سرشیو و کوماسی می‌روان یورش چندروزه اشغالگران بدلیل آمادگی و هشاری مردم ناکام می‌مانند، در ناحیه مها با دوفیض الله بیگی بوکان علاوه بر مقاومت توده‌ای مردم، فرار جوانان مداوم ادامه دارد.

هزاران سرزادگیری در شهرها و روستاها در میان مردم خود زندگی میکنند و رژیم توان مقابله با آنان را ندارد. مبارزه آوارگان برای تحمیل خواسته‌ها نشان بر رژیم را در نظر بگیریم! آوارگان جنگی در میوان خواهان پرداخت خسارت و حق آوارگی شدند و اخیراً چند اعتراض عمومی بر آنداخته اند. در بستر این مبارزه شیوه متشکل شدن، تشکیل مجمع عمومی، انتخاب نماینده و صدور قطعنامه چون شیوه‌های پیشروتری در مبارزه توده‌ای گسترش می‌یابد. علاوه بر اینها شرکت وسیع تر زنان در تمام عرصه‌های مبارزات توده‌ای نشان تازه دیگری از گسترش ایستادگی مبارزات می‌باشد. زنان با خشم و جسارت به مزدوران رژیم حمله و می‌شوند، دستگیر شدگان را از زندان بیرون می‌آورند و آنان را با سرفکندگی و اداریه فرار میکنند.

در رابطه با فشار رژیم بر خانوادها پیشمرگان - مردم در برابر رژیم به مقابله بر میخیزند و از خانوادها پیشمرگان پشتیبانی می‌نمایند. برای نمونه در روستای اوپهنگ و بیساران به افراد رژیم حمله کرده آنانرا خلع سلاح مینمایند.

در عرصه دیگری مردم علاوه بر اینکه تسلیم با جگری رژیم نمیشوند برخواست

خودمینی بر تانکات و رفاهی به هزینه دولت با فشاری میکنند و رژیم روز بروز با سطح توقع بالاتر توده‌های وسیع مردم روبرو میشود.

در ارتباط با کوچ اجباری، آخرین تلاش و تفریق رژیم برای کوچ کردن روستاهای "زلکه" (ناحیه سنجد) و "دره گاوآن" (دیواندره) به شکست انجام میدو با اعتراض مردم این روستاها روبرو گشت.

و سرانجام در مقطع کنونی، گرانسی و کمبودها به نیاز عمومی مردم، یکی از مهمترین عرصه‌های کشف‌کنش و جدال در بین مردم زحمتکش و رژیم اسلامی است که بویژه در شهرها به اعتراض مستمر و مداوم مردم ادامه زده است. مردم معترض دست به معادله میزنند و در میان خود تقسیم مینمایند. در دیواندره در صف‌کند، مردم دست به اعتراض میزنند و نیروهای رژیم به روی آنها آتش می‌گشایند.

نمونه‌های فوق تا حدودی سببای کنونی کشف‌کنش و درگیری مردم کردستان و مزدوران جمهوری اسلامی را توضیح می‌نماید و نشان میدهد که چگونه توده‌های وسیع مردم در برابر ضدحمله و بی‌شوری چنانبتکارانه جمهوری اسلامی به مقابله برخاسته اند و اعتراض و مبارزه خود را روز به زور شدت و گسترش بیشتری میدهند.

تجربه روزانه، ناتوانی و زیبونی نیروهای رژیم را اثبات میکنند و نشان میدهد که فشار مزدوران تا آنجا ادامه می‌یابد که اعتراض و مبارزه قاطع و استواری را در مقابل خود می‌یابد. اما سرانجام پیروزمندان کشف‌کنش هنوز در گرو به میدان آمدن هر چه وسیع‌تر کارگران و زحمتکشان، گسترش سنتهای مبارزه علنی و انقلابی و انکاب به اتحاد و سازمان یافتگی نیروی توده‌های کارگر و زحمتکش در شهر و روستاها می‌باشد.



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!



یاد رفیق فواد

همیشه

زنده است

روزیکه خورشید تا بناک حزب کمونیست ایران طلوع میکند .
روز رستاخیز سرخ زحمتکشان را نوید میدهد و آرزو روز آّب شدن
برفهای ستم است .
رفقا! خورشید را بجنبانیم .

رفیق فواد

رفیق فواد در تمام عرصه‌های مبارزات
توده‌ای و در جنبش مردم کردستان در
برابر پرورش جمهوری اسلامی هیچگاه
منافع مستقل کارگران و زحمتکشان را
از نظر دور نداشت . به همین دلیل نیز
زحمتکشان در مدتی کم - کم ترا زیکال -
کاک فواد را به عنوان رهبر خود شناختند
و به دور او گرد آمدند و هنوز هم پیاد
گرا نقدر او در دل کارگران و زحمتکشان
کردستان همچنان زنده است .

برای دفاع از این منافع مستقل ،
رفیق فواد اعتماد عمیقی به ضرورت
تشکیل حزب طبقاتی کارگران ، حزب
کمونیست داشت و این امر را در اعلامیه‌ای
که به مناسبت شروع جنبش خلق کرد پس از
پرورش جمهوری اسلامی نوشته است ، صریحا
ظاهر نشان ساخته است ، اما درک ضرورت
تشکیل حزب کمونیست به منظور سازماندهی
ورهبیری مبارزه طبقاتی کارگر ، از دویا به
گذاری کومه‌له چون خورشید تا بناکی در
ذهن او میدرخشید . سال ۵۳ در نوشته‌ای
داخلی تحت عنوان "توطئه‌ای جدید علیه
خلق کرد" رفیق فواد نوشته بود ، "روزیکه
خورشید تا بناک حزب کمونیست ایران
طلوع میکند ، روز رستاخیز سرخ زحمتکشان
ایران را نوید میدهد و آرزو روز آّب شدن
برفهای ستم است ؛ رفقا! خورشید را
بجنبانیم !"

اکنون که چهار سال از تحقق این
آرزوی کمونیستی یعنی تشکیل حزب
کمونیست ایران میگذرد ، یاد رفیق
فواد چون رهبری برجسته در جنبش انقلابی و
کمونیستی کردستان و نیز بنا بر رخ جنبش
کمونیستی ایران برای همیشه ثبت شده
است .

عشق و ایمان به نیروی توده‌ها ،
زندگی پر جوش و خروشی که هدف زبیر و
روسا ختن این دنیا ی سرا پا ستم و استعمار
سرما به داری و بنیان گذاشتن جامعه
کمونیستی فارغ از هرگونه ستم و استعمار
چون قطب نما بی آنرا به پیش هدایت
میکرد ، مبارزه خستگی ناپذیری برای
رها بی کارگران و زحمتکشان و دفاع از
منافع مستقل و صف مستقل آنان در
همه عرصه‌ها و در هر مرحله‌ای از مبارزه ،
ایشان روش آن درسه‌ای کمونیستی
هستند که زندگی انقلابی و مبارزه
کمونیستی رفیق فواد برای کارگران و
زحمتکشان آگاه و برای حزب ما به یادگار
گذاشته است .

بادش برای همیشه گرامی و زنده است .



سیاسی و توده‌ای مردم کردستان ، رفیق
فواد چون رهبری دانا ، جسور و آشنا به
تاکتیکهای انقلابی که از او به ایمان
به نیروی توده‌ها ، از ضرورت مبارزه
بی وقفه و انقلابی علیه هرگونه ظلم و ستم
و استعمار به مسائل مینگریست ، در تلاش
بود تا صف کارگران و زحمتکشان را آگاه
و متحد سازد ، بدین ترتیب بود که بر متن
آماجگی توده‌های مردم کردستان به
تداوم انقلاب ، رفیق فواد در شعله‌ور
ساختن جنبش مسلحانه خلق کرد در برابر
پرورش ضد انقلابی جمهوری اسلامی نقش
مهمی ایفا نمود ، اعلامیه‌های آن وقت
کومه‌له که اکثر آنها را رفیق فواد نوشته
است ، به روشنی بیانگر عزم و اراده
کمونیستها در دفاع از دمکراسی و از حق
عادلانه خلق کرد ، در تعیین سرنوشت
خویش میباشد .

رفیق فواد دیدنیال پرورش ۲۸ مرداد
جمهوری اسلامی بطور خستگی ناپذیری به
سازماندهی نیروی پیشمرگ کومه‌له مشغول
بود ، اما متاسفانه مجال نیافت رشد و
تکامل نیروی پیشمرگ کومه‌له را ببیند که
چگونه به با زوی مسلح کارگران و
زحمتکشان کردستان و خاری در چشم
مرتجعین و جمهوری اسلامی و دشمنان
کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است و
از جنبش حق طلبانه خلق کرد و از منافع
مستقل کارگران ، از دمکراسی و از
آرمانهای زحمتکشان در این جنبش دفاع
میکند .

خفقان رژیم شاه به مبارزه سیاسی روی
آورد . سال ۱۳۴۸ در مقطعی که مثنی
چریکی بر ذهن اکثر انقلابیون و روشنفکران
آن زمان ایران سایه افکنده بود ،
همراه با جمعی از رفقای پیش ، سازمان
کومه‌له را بنیان گذاشت که امروز
به عنوان سازمان کردستان
حزب کمونیست ایران ، پیشرو کارگران و
زحمتکشان کردستان و رهبری گیر و مضم
جنبش انقلابی خلق کرد است .

رفیق فواد که چهار سال زندان سیاسی
رژیم شاه بود ، هنگامیکه با پیروان
۵۷ آزندان آزاد شد ، ظرف مدت کوتاهی
در میان درباری خروشان مبارزات توده -
های مردم ، به مناسبت رهبری کمونیست
ظاهر گردید و به سیمای محبوبی در میان
کارگران و زحمتکشان کردستان و چهره
برجسته و شناخته شده‌ای در جنبش
کمونیستی ایران تبدیل گشت .

به دنبال قیام بهمن ، رفیق فواد با
تمام توان خود تلاش کرد تا زحمتکشان کردستان
را برای گسترش جنبش و اعتراض خود و مقابله
با سرکوب ضد انقلابی جمهوری اسلامی - که
آنرا پرورشی پیش بینی میکرد - آماده
و مسلح نماید . در جنگ نوروز خونین

سنندج ، در برابر ساختن ورهبیری کردن
جمعیتهای دمکراتیک شهرهای کردستان ،
در سازمان دادن اتحادیه دهقانان و
نیروی مسلح آن ، در کوچ تاریخی
مریوان و در عرصه‌های دیگر مبارزه

کارگران شاغل روستا

و مطالبات آنها

اتفاقات و حوادث حین کار برای آنها بی معناست .

حتی زنان کارگرناچارند کودکیان شیرخوارشان را هنگام کار در گوشه‌ای از مزارع ، زیر آفتاب داغ و بی‌سایه نگهدارند ، آنها مجبورند حتی در دوران بارداری و هنگام عادت ماهانه هم کماکان به کارهای سخت بدنی بپردازند ، به این خاطر در موارد زیادی کودکان آنها قبل از بدنی آمدن تلف با ناقصی - العفو می‌شوند . این گوشه‌ای از وضع مشقت بار کارگران روستاست . با وجود این اوضاع فلاکت بار ، ما کمتر شاهد مبارزات مستقل کارگران روستا در راه خواست و مطالبات اقتصادی شان بوده‌ایم .

رابطه میان کارگر و صاحب کار اساسا به همان شیوه کهنه‌وستنی معمول در روستا تعین می‌شود . حتی در قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز این بخش از کارگران از قلم افتاده اند و قانون کاری شامل شرایط کار و تعیین دستمزد - های آنان نمی‌شود . و کارگران روستا نیز با خواست‌ها و مطالبات شان که باید در یک قانون کار انقلابی تجسم با بدنی - آشنا بند و برآکنندگی و فقدان شکل‌های کارگری لازم از موانع راه رشد مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران و شروتمندان ده بوده‌اند .

اما در یک ساله اخیر ما شاهد جلوه‌هایی از حرکت و مبارزه مستقل کارگران روستایی بویژه کارگران کشاورزی برای کسب خواسته‌های اقتصادی شان بوده‌ایم . تابستان سال گذشته کارگران کشاورزی روستای دانیکش از بخش کلانتران سنندج به ابتکار تعدادی از کارگران پیشرو به منظور افزایش دستمزد و کم کردن ساعات کار دست به یک اعتصاب ۳ روزه زدند و نتوانستند با مبارزه شان ساعت کار روزانه را کاهش داده ، دستمزدهایشان را به میزان ۴۰ تا ۲۵ درصد افزایش دهند . یک ساعت استراحت در بین کار ۳ روزه وعده غذایی مناسب را به کارفرمایان تحمیل کنند . در تابستان همان سال کارگران کشاورزی روستای اویهنگ از بخش زاوورد سنندج برای مطالبه ۸ ساعت کار در روز علیه شروتمندان ده دست به اعتصاب زدند و موفق شدند خواست خود را به آنها تحمیل کنند . تابستان امسال کارگران کشاورزی روستای سورین و چیچوران از توابع بانه برای افزایش سطح دستمزدهایشان از ۱۲۰ تومان به ۱۵۰ تومان دست به اعتصاب متحدانه‌ای

۱/۵ ساعت برای صرف غذا و استراحت وقت دارند . که مجالی برای تجدید قوا و استراحت برایشان باقی نمی‌گذارد .

کارگران روستا به هیچوجه در تعیین میزان دستمزدهایشان دخالتی ندارند ، هر ساله قبل از شروع فصل کار زمینداران و شروتمندان روستا بر سر میزان دستمزد کارگران در رشته‌های مختلف با هم توافق کرده و با شین ترین سطح دستمزد رایج کارگران تحمیل می‌کنند . سطح دستمزدهای کارگران در روستا که در کارهای چغندرکاری ، توتون کاری و خودکاری ... غیره به کار اشتغال دارند بسیار پایین تر از مردان است . دستمزد زنان معمولا نصف ، و در موارد زیادی ۱/۳ و حتی گاهی ۱/۴ دستمزد مردان کارگر است . بسیاری از کارگران روستا از فشار فقر و بیکاری و همچنین به خاطر غفلت برخی از رشته‌های کار در روستا ، ناچارند شدن به اضافه‌کاری و شب‌کاری بدهند که در تمام این موارد دستمزدی معادل دستمزد یک ساعت کار عادی دریافت می‌کنند .

کارگران روستا از لحاظ امکانات رفاهی ، درمانی و بهداشتی ، جزو محرومترین بخش‌های کارگران کردستان هیچ فاعده و قانونی بر کار این بخش از کارگران حاکم نبوده و کارفرمایان خود را ملزم به تامین هیچگونه امکاناتی برای آنها نمی‌دانند . وضع خوراک و امکانات زندگی آنها بسیار بد است . در مقابل ۱۲ تا ۱۳ ساعت کار شاق و طاقت فرسا ۲ تا ۳ وعده غذایی ساده و فقیرانه به آنها می‌دهند که در موارد زیادی از همین هم خبری نیست . کارگران از هیچگونه امکانات درمانی و پزشکی در محیط کار برخوردار نیستند و بیمه در مقابل

روستاها کارکنتراتی است که بویژه در رشته‌های کشتا و کشت و باغداری شکل معمول کار است ، در روستاها قراردادها به شیوه‌های مختلف میان کارگران و بوزواهای شهرودها مقرر شده است . می‌شود که رایج ترین شکل آنها ، قطعه کاری ، نصف کاری ، و سپانی است . در قطعه کاری کارگران باید در قبضه دستمزد معینی که روزانه و یا ماهانه دریافت می‌کنند ، کار معین برای صاحب کار انجام دهند . در نصف کاری ۱۰ به ۲ و " سپانی " در مقابل کارگر بخشی از محصول به او تعلق می‌گیرد ، یعنی در واقع شکل پرداخت دستمزد جنسی است . در روستا که شکل معمول کار رونوع قرار دادکنتراتی است ، ساعات کار معین برای کارگران معنایی ندارد . در رشته - های از کار هم که کارگران روزمزدند و بزمینای ساعات روزانه کار می‌کنند ، ساعات کار نامعلوم و یا طولانی است و آخرین رقم جان کارگران در طول روز از طرف شروتمندان و سرمایه‌داران مکیده می‌شود . معمولا کارگران روستا از طلوع آفتاب تا هنگام تاریک شدن هوا ، و در برخی از رشته‌های کار مانند کشتا و کشتا ، ساعاتی از شب برای شروتمندان روستا کار می‌کنند . در اکثر رشته‌ها ، ساعات کار کارگران به حداقل ۱۰ و حداکثر ۱۲-۱۳ ساعت در روز می‌رسد . حتی دختران و کودکان کم سن و سال در برخی از مناطق کردستان در مزارع چغندر ، توتون و نخود و غیره ، ۱۲-۱۰ ساعت کار سخت و طاقت فرسا برای شروتمندان و سرمایه‌داران مفت خوران انجام می‌دهند . کارگران روستا در فاصله این ساعات کار طولانی و توان فرسا ، حداکثر ۱ تا

دربارهٔ اعلام تغییرات جدید در پیش نویس قانون کار اسلامی

ادامه از صفحه آخر

مربوط به مناسبات روزمره بین کار و سرمایه و روابط بین کارگر و کارفرما را معلوم می‌کند. نیروی که در این چندساله بین کارگران از یکسو و جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران از سوی دیگر، برسر قانون کار اسلامی و پیش نویس‌هایش جریسمان داشته است بخودی خود حساسیت مساله را نشان داده است. مقاومت و اعتراضات سراسری کارگران در برابر پیش نویس اول قانون کار موجب شد تا رژیم اسلامی قدم به قدم از قانون کار فوق العاده متحجر و برده‌وارا ولیه که بر اساس شریعت اسلام تنظیم شده بود عقب بنشینند و به چیزی در حد قانون کار ارتجاعی و ضد کارگری زمان شاه رغایت بدهد. هدف اصلی رژیم اسلامی از این عقب نشینی‌ها

و پس گرفتن پیش نویس‌های متعدد این بوده است که مبارزه برسر قانون کار را در حد یک قانون کار متعارف و معمول بورژوازی و طبعا کارمندان کارگری - به سازش بکشاند.

در یکی - دو ساله اخیر که رژیم اسلامی با ورشکستگی کامل اقتصادی تعطیل واحدهای تولید و اعمال اخراج‌های وسیع و در نتیجه تهدید گسترش مبارزات کارگری روبه‌رو بوده است، اهداف مقطعی معینی را هم از عقب نشینی در عرصه قانون کار دنبال می‌کرده. و آن این بوده است که در کنار وسیع ترین تهاجمات به کارگران با اعلام عقب نشینی‌هایی در پیش نویس‌های قانون کار و بر رسمیت شناختن ظاهری برخی مطالبات

کارگران بطور ناقص و محدود، از خطر مقابله سراسری و متحد در مقابله قانون کار که بنا به تجربه گذشته امکان آن وجود دارد و همینطور از خطر تهدید وسعت‌گیری اعتراضات و مبارزات کارگری بطور کلی بکاهد. و امکان مانور و تبلیغات برای ایجاد خانه کارگر و شوراهای اسلامی‌اش فراهم نماید.

چنانکه پیداست تغییرات تازه لایحه کار جمهوری اسلامی نیز، منطبق بر همین خط اصلی جمهوری اسلامی، یعنی بسازش کشاندن مبارزه برسر قانون کار در حد یک قانون کار ضد کارگری، عملیاتی بورژوازی با رنگ و لعابی که به ایجاد خانه کارگری‌اش قدرت مانور بیشتری بدهد، صورت گرفته است.

برای مثال در این تغییرات تازه مدت مرخصی سالانه که در چهار رمین پیش نویس ۲۴ روز در ماه تعیین شده بود، به ۳۰ روز در سال افزایش داده شده است. اما در این تغییرات تازه تردیدی نباید داشت که اساس قانون کار اسلامی دست نخورده باقی مانده است. یعنی برای مثال همچنان و بطور رسمی ۲۴ ساعت کار در هفته که با احتساب اضافه کاری به حدود ۷۰ ساعت کار در هفته می‌رسد، مقرر شده است. حداقل دستمزد

زده و این خواست خود را به صاحب کاران تحمیل کردند. این نمونه‌هایی از مبارزات موفق کارگران کشاورزی برای تحقق خواست‌هایشان بوده است که باید برای همه کارگران روستا سرمشق و تجربه‌ای با ارزش باشد. گرچه این مبارزات از لحاظ دامنه و وسعت وسیع نبوده‌اند، اما بخوبی اثبات می‌کنند که هربخش، ولو بسیار کوچک از کارگران اگر با منافع و خواست‌های طبقاتی‌شان آشنا بوده و متحدانه برای آن مبارزه کنند قادرند به خواست‌هایشان دست یابند. کارگران روستا برای رسیدن به خواست‌هایشان باید چکار کنند؟ کارگران روستا قبل از هر چیزی باید بدانند که بخشی از طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند. بنابراین مهمترین و اصلی ترین وظیفه آنان ایجاد اتحاد با هم طبقه‌های خود یعنی با کارگرانی که در کارخانه‌ها و شرکت‌ها و کوره‌خانه‌ها کار می‌کنند، می‌باشد. تا با اتحاد و یکپارچگی - بیان به این نظام و همه پی آمدهای شوم آن به زندگی و سرخوششان خاتمه دهند و حکومت کارگری خود را برپا دارند. همچنین در شرایط فعلی، نیز که مبارزات

کارگران حول افزایش دستمزدها، کاهش ساعات کار، بیمه بیکاری، حق اعتصاب و بطور کلی حول مبارزه برسر قانون کار دموکراتیک و انقلابی که خواست پرولتاریا کمونیست ایران را در خود منعکس سازد، در جریان است. کارگران روستا نیز بتوانند بخشی از این طبقه‌ها و در جهت اتحاد با سایر کارگران و برای چنین خواسته‌هایی مبارزه کنند و مطالبات معینی را از همین امروز بر سرمایه‌داران و دهقانان مرفه‌ده تحمیل نمایند. مطالباتی که امروز بسیاری از هم طبقه‌ای‌های ما توانسته‌اند با مبارزات خود ساعات کار معین، حق اضافه کاری و تسهیل شرایط کار و غیره راه کارفرمایان و دولتشان تحمیل کنند. بخشی از این مطالبات می‌توانند اینها باشند.

- ممنوعیت کارکنتراتی در همه رشته‌ها و تشبیهت پرداخت مزد بر مبنای ساعت کار روزانه.
- ۸ ساعت کار در روز و ۲ روز تعطیلی در هفته با دریافت مزد دوبرابر در مقابل کار در روزهای تعطیل.
- دستمزد و بیمه در مقابل هر ساعت

اضافه کاری و شب کاری.

تعیین میزان دستمزد توسط خود کارگران بر اساس تأمین معیشت یک خانواده. ۵ نفری و افزایش آن به نسبت بالارفتن مخارج زندگی.

- تأمین امکانات درمانی و بهداشتی در محیط کار و ۳ وعده غذای مناسب در روز از طرف کارفرمایان، مزد برابر در ازاد کار برابری کارگران زن و مرد.
- برسمیت شناختن حقوق ویژه زنان کارگر، و مخصوصا کاهش روز کارمندان شیرده به ۷ ساعت شامل دونوبت استراحت نیم ساعت در فواصل حداکثر ۳ ساعت.

از میان مطالبات فوق خواست ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزد و مزد برابر برای کارگران زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

کارگران باید در مجموع عمومی و محافل و مجمع‌های عادی‌شان این خواست‌ها و مطالبات را به بحث و تبادل نظر گذاشته و آن را در دستور مبارزات خود قرار دهند.



بهباران مراکز صنعتی

از هیولای جنگ ضروری و فوری است .
با توجه به این واقعات است که خیر
بهباران مراکز صنعتی نه فقط نفرت و
انزجار هر چه بیشتر از جنگ و از سرما به داؤن
را برمی انگیزد بجاست که توقع و انتظار
از کارگران در مبارزه مستقیم و متحد
علیه جنگ را نیز برانگیزد ، این توقع و
انتظاری است که تک تک ما کارگران باید
از خودمان و از هر هم طبقه ایمان داشته
باشیم ، این توقع و انتظار است که همه
مردم به جان آمده از جنگ از مبارزه
کارگران دارند .
کارگران و قدرت تحول بخش آنان ،
نیروی اصلی اردوی مردم زحمتکش در
مبارزه علیه جنگ است ، اما برای آنکه
این قدرت تحول بخش به میدان بیاید
باید به عرصه های فعال و مستقیم مبارزه
علیه جنگ ، آنجا که کارگران مستقیماً در
معرض فشارها و جنابیات جنگی قرار
میگیرند ، توجه ویژه مبذول داشت . و
بهمین دلیل باید وقتی کارخانه ای مورد
بمباران و حملات جنگی سرما به داران قرار
میگیرد ، کارگران ، و نه فقط کارگران
همان مرکز و مجتمع ، بلکه کارگران
سراسر ایران فوراً اعتراض متحد و مفاصله
متحد با آن را تدارک ببینند و برپا دارند .
تجارت قبلی و سابق قبلی مبارزه علیه
جنگ نشان داده است که مبارزه متحد و
مشکل کارگران علیه فشارها و جنابیات
جنگی و از جمله اعتراض متحد و کارگری
علیه بمباران ها کا ملاحظی و امکان
پذیراست با توجه به این تجارب و
آمادگی های عمومی اکنون میتوان و
باید برای آن تلاش کرد تا مبارزات و
مقاومت های موجود علیه بمبارانها
ارتقا و گسترش یابند ، با بدیه همست
کارگران آگاه و مبارزکاری گرد که بمباران
مراکز صنعتی بیش از پیش با اعتراضات
متحد و جمعی کارگران
روبرو شود و هر جنابیت جنگی با
موج هر چه وسیعتری از اعتراض گسترده
کارگری و با فرمان طبقه کارگر به قطع
جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی روبرو
گردد .



بمباران مراکز صنعتی و کارخانه ها در
یکی دو هفته گذشته از اسف با ترتیب
وقایع مربوط به جنگ ایران و عراق بوده
است ، تنها در طول یکی - دو هفته گذشته ،
مراکز دراراک ، تبریز ، اصفهان ،
کچساران ، همدان و نقاط دیگر مورد حمله
هواپیما های عراقی قرار گرفته است . و
ایران نیز به چند کارخانه و مرکز صنعتی
عراق هجوم برده است .
در نتیجه دستکم دهها کارگر به خون خود
غلتیده اند و با دیگر باکراهتی هر چه
تما متر ما هیت سرما به داران و ارتجاعی
جنگ ایران و عراق در پیش چشم همه به
نمایش در آمده است . هر کارگر و هر فرد
آزاده ای که خیر بمباران مراکز صنعتی و
مردم بی دفاع را می شنود ، وقتی در نظر
می آورد که چگونه کارگران در محل کار
خود ، وقتی که در میان دود آتش آهن در
هم پیچیده میشوند و عرق استمنا رو کا ر شاق
روزانه با خونی که جنابیات جنگی
سرما به داران بر زمین ریخته اند ، درهم
می آمیزد ، نفرت و انزجار عمیق تر از
این جنگ را بدل میگیرد و صدبار مصمم تر
خواهان پایا ن بخشیدن به این جنگ
جنابیت با سرما به داران میشود .
اما تجربه تلخ و خونبار این چند سال
هم نشان داده است که با پایا ن قطع و
فوری جنگ ایران و عراق جز به نیروی
کارگران و مردم آزاده ممکن نیست .
کارگرانی که این چنین وحشیانه در حمله
به کارخانه ها و مراکز صنعتی مستقیماً مورد
حمله و کشتار قرار میگیرند ، خود نیروی
اصلی اردوی مردم ستمکشیده و داغدار
در مبارزه علیه این جنگ هستند ، طبقه
کارگر به دلیل آنکه کثیرالعددترین و
مشکل ترین بخش مردم محروم و زحمتکش
را تشکیل میدهد و بدلیل اینکه تمام
گلوگاه های اقتصادی را در دست دارد ، قادر
است با اتکا به قدرت متحد و سراسری خود
با بسیج نیروی عظیم مردم قطع جنگ را
به رژیم اسلامی که سرنوشته خود را به جنگ
گرفته است تحمیل نماید .
مبارزه متحد و سراسری کارگران
علیه جنگ اکنون چه برای هر پیشروی
طبقه کارگر در دست یابی به خواسته های
و چه به منظوررها ساختن کل مردم زحمتکش



بوسیله نمایندگان کارکنان سرمایه داران
و در حد زیر بخور و نمیر فعلی تعیین می گردد .
حق اعتصاب ، آزادی تشکل و اجتماع
کارگران بر سمیت شناخته نمی شود و غیره .
با این همه صرف همین تغییرات و عقب
نشینی های جزئی که رژیم اسلامی و
کارگران آن بسیار مایل اند ، به
آن شکل و ظاهری نزدیک به مطالبات
انقلابی و رادیکال کارگران در زمینه
قانون کار ببخشند ، دوساله را با ردیگر
موزد تا کید قرار می دهد .

اول اینکه رژیم اسلامی فشار مطالبات
و خواسته های کارگران کمونیست در زمینه
قانون کار را بر خود احساس می کند و می کوشد
با تحریف کردن این خواسته ها و پذیرش
ظاهری دست و پا شکسته برخی از این
مطالبات ، نیرویی را که در پشت این
مطالبات متراکم می شود تضعیف کند .

دوم اینکه در مقطع و اوضاع کنونی
که هر حرکت سراسری کارگری ، برای
جمهوری اسلامی بسیار هراس انگیز است ،
رژیم تلاش دارد حتی المقدور جلوی
چنین تحرکی را در مبارزه بر سر قانون
کار که مستعد آن هست ، بگیرد .

تغییرات تازه قانون کار اسلامی اگر
در خور ارزش باشد همانا در این است که لاین
دووا قیمت را با ردیگر مورد تا کید قرار
می دهد . و با ردیگر وظایف کارگران آگاه
و کمونیست و فعالین جنبش کارگری در
قیال مبارزه بر سر قانون کار را پایداری
می کند .

همانگونه که قبلاً باها گفته ایم
اکنون ضروری است که همه پیشروان جنبش
کارگری و همه گرایشهای مبارز درون جنبش
کارگری حول قانون
کار را انقلابی و حول مطالبات
واحدی که پرچم آنرا کارگران کمونیست
در دست گرفته اند متحد شوند و با برپا
داشتن مبارزه سراسری متحد علیه
قانون کار اسلامی همه تلاش های جمهوری
اسلامی را خنثی کنند .

مبارزه سراسری متحد کارگران حول
قانون کار انقلابی و بر علیه لایحه کار
جمهوری اسلامی نه فقط قدرت آنرا دارد
که رژیم اسلامی را بیش از پیش عقب
براندازد بلکه با متحد کردن صفوف کارگران
آنها را بتواند یک نیروی تحول بخش
سیاسی وارد میدان نبرد خواهد کرد .

پرداخت میگردند.

روزانه در میدان ۳ سنگران "شهر" مها باد صدها کارگر بیکار را جمع کرده و ساعتها در انتظار یافتن کاری منتظر میمانند، ولی موفق به پیدا کردن کاری نمیگردند.

تعداد زیادی از کارگران بیکار به دستفروشی و کف‌داری پرداخته‌اند، که آنها نیز با بورشهای روزمره - مزدوران جمهوری اسلامی و غارت اموالشان از جانب آنها روبرو هستند. علاوه بر بیکاری، گرانسی و کمبود وسایل کوبنی، که به هیچ وجه کفاف نیازهای خانواده‌های زحمتکش را نمیکند، زندگی را برآنان دوچندان دشوار نموده است. گوشت و برنج و روغن برای هیچ خانواده کارگری قابل دسترسی نیست. دستمزد ۳ روزیک کارگر، حتی کفاف تهیه یک کیلو گوشت را نمیدهد، هزینه سنگین درمان و کرایه منزل و تحصیل فرزندان برای کمتر فرد زحمتکشی قابل تحمل است.

اعتراضات کارگران شهر سردشت پس از بمباران

بنا به گزارشی از ناحیه سردشت، پس از بمباران این شهر، بدلیل تعطیلی مراکز کارگری و همچنین بدلیل رکود کار ساختنی، وضعیت کارگران این شهر اعم از ناغل و بیگار، فلاکتنا و ترا گذشته است. تعداد دبیکارانی که به دستفروشی روی آورده‌اند، بیشتر از ۲۵۰ نفر است که با کمترین درآمد روزانه مشغول دستفروشی میباشند.

کارگران شرکت‌ها و ادارات دولتی نیز که در شرایط دشواری بسر میبرند، چندین بار دست به اعتراض و مبارزه زده‌اند. برای نمونه کارگران شرکت ساختنی خانه‌های سازمانی این شهر، برای دریافت دستمزد به تعویق افتاده - شان، بیجا نگر شرکت را تحت فشار گذاشته اند و برای پیگیری خواستشان، نما بندها انتخاب کرده و به شهرها شیشه فرستاده‌اند. اگرچه کارگران با این مبارزه‌شان توانسته‌اند بخشی از حقوق خود را بگیرند، اما هنوز نتوانسته‌اند تمامی خواسته‌هایشان را بدست آورند. کارگران شرکت ساختنی شهر با نی نیز از چندین پیش با مسئولان دولتی و بیجا نگران بخاطر گرفتن دستمزد به تعویق افتاده‌شان درگیرند. که تا کنون



اخبار کارگری

برگزاری سالروز تشکیل

حزب کمونیست ایران در چند نقطه شهر سندانج

ایران در ارتفاعات ما بین آبیدر بزرگ و آبیدر کوچک روشن گردید و همزمان با آن انبوهی از تراکتهای و علامیه‌های حزبی که بمناسبت این روز تهیه شده بود در چندین محله شهر پخش گردید و کارگران و مردم زحمتکش و آزاده شهر سندانج، در جمعها و محافل متعددی روز ۱۱ شهریور سالگرد تشکیل حزب کمونیست را جشن گرفتند و در این جمعها راجع به نقش حزب کمونیست ایران در آگاه و متشکل نمودن طبقه کارگر ایران و رهبری جنبش انقلابی کردستان با هم به بحث و گفتگو پرداختند و یکبار دیگر ضرورت نبرد متحد و متشکل خود علیه نظام سرمایه‌داری و حکومت اعلامیه‌ش تحت شعارها و سیاستهای حزب کمونیست ایران را خاطرنشان ساختند.

روز ۱۱ شهریور، چهارمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران، در چندین نقطه شهر سندانج توسط انبوهی از کارگران و مردم انقلابی برگزار گردید. مراسم گرامی داشت چهارمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست در شرایطی برگزار گردید، که رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از هرگونه حرکت نوده‌ای به این مناسبت، بر شمار مزدوران خود در سطح شهر افزوده بود، چندین کمین و پست بازرسی و گشتیای مزدورانش را در شهر بزرگ کرده بود و تمامی ارتفاعات مشرف بر شهر را به اشغال درآورده بود.

ساعت ۷/۵ عمر ۱۵ شهریور، علی‌رغم اشغال ارتفاعات مسلط بر شهر توسط مزدوران، آتش بزرگی به نشانه فرارسیدن سالروز تشکیل حزب کمونیست

گزارشی از وضعیت کارگران شهر مها باد

کار ساختنی سازمان سازی بسیار رکاهت پیدا کرده است و بخش وسیعی از کارگران نیز بیکار شده‌اند. همچنین بدلیل بیکاری گسترده در خارج کردستان و دستگیری جوانان مشمول، تعداد بسیار کمی از کارگران مها جرموفق به یافتن کار در شهرهای خارج کردستان شده‌اند.

در سطح شهر مها باد تنها چهار سال زندگی و آنهم در سطح محدودی کارگزار استخدام میباشند. شرایط کار در جها بسیار سخت و طاقت فرسا بوده و در مقابل ۱۰ الی ۱۱ ساعت کار دستمزد بسیار کمی به کارگران

طبق گزارشی که کمیته ناحیه مها باد برای مدای انقلاب ایران فرستاده است، بیکاری و گزارش زندگی را بیش از پیش بر مردم زحمتکش سخت و دشوار نموده است. بیکاری نسبت به سالهای گذشته، بسیار بیشتر شده است و تعداد زیادی از کوره‌خانه‌های این ناحیه بدلیل مختلف از وایل امسال تعطیل گردیده‌اند. حتی کارگرانی که مدتها در این کوره‌ها کار کرده‌اند پس از چندماه بیکار شدن هنوز دستمزد ایام کار خود را نگرفته‌اند. بدلیل گرانی و کمبود مصالح ساختمانی،

با آنها جواب قطعی نداده اند.

کارگران اداره را نیز، چندی پیش برای افزایش دستمزدها اعتراض به کسر مالیهات از دستمزدها چیزشان دست از کار کشیدند. اداره را این شهر با استفاده از بیکاری وسیعی که گریبا نگیرکارگران است، میخواست به کارگران پاسخ ندهد و افراد دیگری استخدام نماید. اما کارگران ساکت ننشستند و با اداره اعتصاب و اعتراضان، کار بدستان اداره را رژیم را مجبور به پرداخت دستمزدها نشان کردند.

کمیته‌ها حبه سردشت همه کارگران این شهر را فرا خوانده است که برای به پیروزی رساندن مبارزه‌شان علیه این وضعیت فلاکت بار، دست به دست هم بدهند و با مبارزه متحدانه خودنه تنها حقوق باعمال شده و دستمزدها تعویق افتاده خود را با زپس بگیرند، بلکه میزان دستمزدها نشان را نیز افزایش دهند.

لازمه موفقیت کارگران اینست که کارگران بیکار رنیز برای گرفتن بیمه بیکاری تا پیدا کردن کار مناسب، رژیم را تحت فشار بگذارند و تا موقوفه‌های رژیم و کارفرمایان را برای ایجاد تفرقه و جدایی در میان کارگران شاغل و بیکار، با هوشیاری غنشی کنند.

اعتصاب وسیع و گسترده کارگران قندهفت تپه

اهواز

بدنبال بازگشایی کارخانه قندهفت تپه اهواز - که واخرسال گذشته بوسیله همیاران هوائی هفت تپه تعطیل شده بود - مدیران و مسئولین کارخانه زپرداخت حقوق ایام تعطیل به کارگران خودداری کردند، این مساله موجب اعتراض کارگران شده و کارگران تصمیم به اعتصاب گرفتند. به این ترتیب واپیل تیرماه گذشته اعتصاب و تحمن آغاز شد. کارگران خواستهایان را نوشته و بدیوار کارخانه نصب کردند و در محوطه کارخانه متحصن شدند. خواستهای کارگران در این اعتصاب، پرداخت حق ویژه کاردر منطقه جنگی، رسمی شدن کارگران قرار دادی، برکناری مدیریت و انجمن اسلامی و پرداخت برخی مزایای دیگر بوده است. مدیریت در مقابل اعتصاب و تحمن

کارگران، پیشنهاد مذاکره داد و آن‌ها خواست‌نا نما بندگانشان را برای مذاکره انتخاب کنند، ولی کارگران اعتصابی - که خواستهایان را به روشنی طرح کرده بودند - اعلام کردند که قبل از هر چیزی با بدیه این خواست‌ها پاسخ داده شود و به این ترتیب به پیشنهاد مدیریت جواب منفی دادند. تلاش‌های امام جمعه هفت تپه برای وادار کردن کارگران به عقب نشینی نتیجه‌ای نداد. کارگران سخنرانی امام جمعه را برهم زدند و او ناچار گردید همراه با پاسدارهای محل را ترک کند.

اعتصاب کارگران قندهفت تپه فضا ئی از حمایت و پشتیبانی در میان کارگران کارخانه‌های مجاور وجود آورد. کارگران کاغذپارس به نشانه حمایت و همبستگی از اعتصاب قندهفت تپه، دست به اعتصاب زده و به مدت یک روز کار را متوقف کردند. همچنین در کشت و صنعت گسارون، مدیریت برای جلوگیری از گسترش حمایت کارگران از اعتصاب قندهفت تپه وعده‌هایی به کارگران داد و پرداخت دستمزدها کارگران را یک روز به جلو انداخت. طبق آخرین خبری که به دستمان رسیده است، اعتصاب و تحمن کارگران قندهفت تپه در ادامه خودمورد هجوم وحشیانه مزدوران کمیته و سپاه (اعزامی از شوش و دزفول و خرم‌آباد) واقع شده و دهها تن از کارگران دستگیر شده‌اند.

حسابرسی شرکت تعاونی مصرف کارخانه ایند آمین توسط مجمع عمومی کارگران

در نیمه اول تیرماه گذشته، مجمع عمومی کارگران کارخانه ایند آمین برگزار شد و به وضعیت شرکت تعاونی مصرف کارخانه رسیدگی کرد. در این مجمع اعضای هیئت مدیره گزارشی از وضعیت تعاونی را به اطلاع کارگران رساندند. طی این گزارش‌دهی به کارگران، اعضای هیئت مدیره تعاونی گفتند که در جریان حسابرسی سودوزبان تعاونی، متوجه شده‌اند که علیرغم اینکه تعاونی، معادل سال قبل فروش داشته اما سود آن به ۱/۳ سال گذشته کاهش پیدا کرده است. هیئت

مدیره ضمن اعتراض به این مساله، کسری سود را ناشی از حضور یکی از عوامل - مدیر هیئت کارخانه در هیئت مدیره تعاونی دانست. سپس مجمع عمومی خواستار بررسی دقیق تر مساله شد و در انتهای جلسه قرار بر این شد که تا تشکیل مجمع عمومی بعدی، نماینده‌ای از جانب وزارت کار مجدداً سودوزبان تعاونی را مورد حسابرسی قرار دهد و به اعتراض هیئت مدیره تعاونی رسیدگی کند.

لازم به یادآوری است که مدیریت ایند آمین، یکی از عوامل خود را که عضو انجمن اسلامی هم هست به هیئت مدیره تعاونی تحمیل کرده بود و در گزارش‌های اخیر هیئت مدیره تعاونی به مجمع عمومی کارگران، هیئت مدیره شرکت تعاونی، همین فرد را عامل کسری سود تعاونی دانسته است.

تحریم انتخابات شورای اسلامی در کارخانه صنایع فلزی از سوی کارگران

کارگران کارخانه صنایع فلزی، انتخابات شورای اسلامی را تحریم کردند و مانع باگرفتن این ارگان فدکارگری شدند.

در یکی از روزهای اوایل تیرماه و به دنبال چند روز تدارک برای برگزاری انتخابات شورای اسلامی در کارخانه صنایع فلزی، با لافزه موعدا انتخابات فرارسید، انتخابات شورای اسلامی که به آخروقت اداری کارخانه و پس از پایان کارموکول شده بود، با تحریم یکباره کارگران روبرو گردید، اغلب کارگران به این انتخابات اعتراض داشتند و به همین دلیل، نداشتن وقت کافی و نامناسب بودن زمان انتخابات را، بهانه قرار دادند و با ترک محل رای گیری، انتخابات را تحریم کردند.

به این ترتیب انتخابات شورا ی اسلامی در کارخانه صنایع فلزی عملاً تحریم شد و کارگران اجازه ندادند که این ارگان فدکارگری در محل کارشان برپا شود. روز بعد هم مدیریت صنایع فلزی اعلام کرد که به علت عدم شرکت کارگران، انتخابات لغو شده است.

قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست!

اخبار فعالیت

نیروی پیشمرگ کومه له



یک فانتوم جمهوری اسلامی توسط پدافندهوایی نیروی پیشمرگ کومه له سرنگون شد.

چند گروه ضربت رژیم زیر ضربات پیشمرگان کومه له

سبز:

● ۶۶/۶/۱۴ چندواحد از پیشمرگان کومه له در جریان تعرض سنگین و مشهورانه به مراکز استقرار نیروهای جمهوری اسلامی در روستای "میشیا" و "زئوابع بخش سرشیو سقرتلغات و خسارات سنگینی بر آنان وارد کردند. نیروهای رژیم مرکب از چند گروه ضربت بودند که ۲ روز پیش سر وارد روستای مذکور شده و در داخل و اطراف آن با بگانه نظامی دا بر کرده بودند.

رفقای پیشمرگ طبق طرحی دقیق در ساعت ۱/۴۵ دقیقه با مداد از چند طرف مراکز استقرار آنان را مورد تعرض قرار داده و تا ساعت ۳/۱۵ دقیقه با مداد با سلاحهای نیمه سنگین و سبک مواضع آن را درهم کوبیدند، واحدی از پیشمرگان در ابتدای عملیات موفق به تصرف یک موضع نیروهای دشمن گشتند و پس از فراری دادن مزدوران، در آنجا مستقر شدند که تا پایان عملیات از این نقطه بقیه مواضع مزدوران را آتش باران میکردند.

در جریان این تعرض مشهورانه حداقل ۱۵ تن از مزدوران گروههای ضربت رژیم کشته و زخمی شدند و خساراتی به تاسیسات نظامی آنها وارد گردید. جبن نبردیکی از رفقای رزمنده و فداکارمان به نام عمر آوچ معروف به عمرشور آوه جانباخت. یادش گرامی باد!



روز ۱۱ شهریور ما دفاع با سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران نیروهای جمهوری اسلامی از ساعت ۷ صبح به منظور فریب زدن به یکی از مقرهای مرکزی کومه له بمدت ۲ ساعت با توپخانه دوربرد منطقه را گلوله باران کردند.

بدنبال این توپ باران یک هواپیمای جت فانتوم جمهوری اسلامی که بقصد بمباران در آسمان منطقه ظاهر شده بود، در ساعت ۱۱ و ۵ دقیقه قبل از ظهر مورد حمله سریع و دقیق پدافندهوایی نیروی پیشمرگ کومه له قرار گرفت و در نوار مرزی منطقه آلان سردشت سرنگون شد. خوشبختانه در جریان توطئه جمهوری اسلامی برای توپ باران مقرر کومه له هیچ آسیبی به رفقای پیشمرگ وارد نشد.

انهدام کامل تاسیسات راه سازی رژیم در جاده

سنندج - مریوان

در جلوشما خبرت زده شان تمام تاسیسات شامل تعمیرگاه، انبار قطعات، کارخانه اسفالت، کارخانه سنگ کوبی و قسمت پارکینگ و ماشین آلات را به آتش کشیده و نابود کردند و خسارات بسیار سنگینی به رژیم وارد آوردند.

لازم به توضیح است که تاسیسات نابوده که در عملیات رفقای پیشمرگ

۶۶/۶/۱۱ پیشمرگان رزمنده و کاروان کومه له از گردان آریز طی عملیات وسیع و پیروز مندان مرکز تاسیسات راه سازی رژیم را در جاده سنندج - مریوان تصرف کرده و ماشین آلات و دستگاهاهی موجود در آن را بطور کامل منهدم کردند. این عملیات در ساعت ۱۰/۵ شب انجام گرفت و علیرغم اینکه یک پایگاه بسزرگ نیروهای رژیم حفاظت تاسیسات مربوطه را برعهده داشت و کمیتهای در محوطه این مرکز را بر کرده بودند، رفقای پیشمرگ با دقت و کاردانی تمام وارد محوطه این مرکز تاسیساتی رژیم گشته و آنرا در دست گرفتند. سپس بی آنکه نیروهای رژیم قادر به عکس العملی باشند

کارگران و زحمتکشان!

به صفوف رزمنده پیشمرگان کومه له پیوندید.

۲ خودروارتنشی در ۵ کیلومتری شهر مریوان مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت

مریوان :
● ۶۶/۶/۱۲ رفقای پیشمرگ از گردان کاک فواد در بعد از ظهر این روز به منظور ضربه زدن به نیروهای رژیم مسافت یک کیلومتر از جاده سنندج - مریوان را به کنترل کامل خود در آورده و به مدت ۲ ساعت کنترل آنها در دست گرفتند. در ساعت ۱۰ شب ۲ خودروارتنشی برای نفرات در ۵ کیلومتری شهر مریوان در حفاصل ۲ پایگاه نظامی رژیم به کمین پیشمرگان افتاد و زیر ضربات کوبنده و سریع آنها قرار گرفتند.

در نتیجه یکی از خودروها از کار افتاد و توسط پیشمرگان به آتش کشیده شد و دیگری با تحمل خسارتی از مهلکه گریخت. در این عملیات اکثر نفرات دشمن از پای درآمدند که شمار دقیق آنها گزارش نشده است. به رفقای ما هیچ آسیبی وارد نشد.

پیشمرگان کومه لسه در نبردی ۲ ساعته ضربه های مهلک بر مزدوران وارد کردند

مریوان :
● ۶۶/۶/۱۵ ساعت ۱۱/۵ شب واحدهای از پیشمرگان گردان شاهو گردان آریز که در روستای کوشانی در بخش شامیان مریوان بودند، متوجه حضور گروه ضربت "سروآباد" در اطراف این روستا شده و سریعاً برای ضربه زدن به آنها در آرایش تعرضی به خود گرفتند. پیشمرگان با تعرضی جسورانه نبردی تن به تن را بر مزدوران تحمیل کردند و با نارنجک دستی و مسلسل سبک سنگرهاشان را زیر آتش گرفتند. همزمان با آن واحدی دیگر از رفقا ارتفاعات مشرف بر پایگاه نظامی رژیم در خارج روستا را در دست گرفته و با تیربارانی، گیسو، موشک انداز آرمی جی و دیگر سلاحهاشان آنها را کلوله باران کردند. این عملیات به مدت ۲ ساعت ادامه

داشت و در جریان آن تعدادی از سرکوبگران از پای درآمدند. همچنین بخشی از پایگاه رژیم آتش گرفت. به رفقای ما آسیبی وارد نشد.

شکستهای پی پی در پی نیروهای رژیم

سنندج :
● ۶۶/۶/۱۲ در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر این روز واحدی از پیشمرگان گردان آریز در حفاصل روستاهای نکل - لنگریز در مسیر جاده سنندج - مریوان با گروهی از مزدوران رژیم درگیر شده و آنها را زیر آتش گرفتند. پس از نبردی کوتاه، نیروهای رژیم تاب مقاومت نیاورده و با برجای گذاشتن یک کشته متواری شدند.
● بعد از ظهر ۶۶/۶/۱۱ نیز واحدی دیگر از رفقای گردان آریز در حفاصل روستای نکل و سببی بن در مسیر جاده سنندج - مریوان با یکی از افراد مسلح رژیم بنام عبدالرحیم وردی اهل روستای برقرو (کلاترزان) جمعی با یکاه سببی بن مواجه شده و بی آنکه مجال کوچکترین واکنشی به وی بدهند، او را خلع سلاح و اسیر کردند. و یک قبضه ۳- همراه ۵ خناب و ۱۰۰ عدد فشنگ او را به غنیمت گرفتند.

سقز :
● ۶۶/۶/۱۳ یک واحد از پیشمرگان کومه لسه در ساعت ۸/۱۰ شب در اطراف روستای "هوشان" از توابع سرشویس سقز با کمین مزدوران جمهوری اسلامی مواجه شده و پس از ۲۰ دقیقه نبرد، با درهم شکستن کمین دشمن از پای درآوردن چند مزدور همگی سالم به ما موریت خود امداد دادند.

مریوان :
● ۶۶/۶/۱۴ چند واحد از پیشمرگان گردانهای شاهو و آریز که برای انجام ما موریتی به روستای رزا و در بخش اشغالی شامیان مریوان رفته بودند، در ساعت ۹ شب متوجه حرکت نیروهای رژیم به سمت روستا شده و به مقابله با آنها پرداختند. پس از چند دقیقه درگیری مزدوران قدرت مقابله نداشتند و سریعاً فرار کردند. در جریان درگیری یکی از افراد دشمن زخمی شد.

● ۶۶/۶/۱۵ ساعت ۶/۵ با امداد این روز

واحدهای از همین ۲ گردان که در ارتفاعات کوسالان در مسیر جاده جنوبی سنندج - مریوان بودند موردتهاجم نیروهای رژیم قرار گرفتند. رفقای ما از قبل خود را آماده مقابله با این یورش کرده بودند. در نتیجه نیروهای مهاجم جرات پیشروی به خود ندادند و از دورتسا بعد از ظهر منطقه را خرابه باران کردند که تلفاتی در بر نداشت.

● ۶۶/۵/۳۱ ساعت ۱/۵ با امداد این روز واحدی از رفقای گردان شوان در نزدیکی روستای قشلاق در جوار شهر سنندج به کمین نیروهای سرکوبگر افتاد و درگیر شدند. علیرغم آماج گیتی دشمن، پیشمرگان سریعاً آنها را پیش گرفته و پس از نبردی کوتاه از پای درآوردن چند تن از افراد دشمن، کمین را درهم شکستند و به ما موریت خودشان امداد دادند. در این درگیری رفیق پیشمرگ شریف کریمی معروف به شریف تیرگران جان باخت. یادش گرامی باد.

اطلاعیه کمیته نا حیه مریوان در مورد آزادی یک پزشک بنگلادشی

بدین وسیله به اطلاع میرسانیم که دکتر محمد نور عالم اهل شهرداکا پایتخت بنگلادش که شب ۶۶/۵/۲۸ در جریان عملیات پیشمرگان کومه لسه علیه نیروهای جمهوری اسلامی در روستای سروآباد در مسیر جاده مریوان - سنندج توسط رفقای ما بازداشت شده بود پس از ۳ روز آزاد گردید. نامبرده از ۲ سال و ۴ ماه قبل توسط جمهوری اسلامی استخدام شده بود. در مدت ۳ روزی که نامبرده نزد پیشمرگان کومه لسه بود رفقای پیشمرگ ما هیت خدا انقلابی و ضد مردمی جمهوری اسلامی را برایش توضیح دادند و همچنین او را با اهداف انقلابی حزب کمونیست ایران و جنبش انقلابی خلق کرد آشنا نمودند.

کمیته نا حیه مریوان - ۶۶/۶/۱



پیروزباد جنبش انقلابی خلق کرد!

مراسم گرامیداشت سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران در مرکز آموزش پیشمرگان کومه له با شکوه فراوان برگزار گردید

روز ۱۱ شهریور، چهارمین سالروز
تشکیل حزب کمونیست ایران با شکوه
فراوان از سوی کادرها، پیشمرگان
و داوطلبان پیشمرگانی کومه له که در حال
آموزش میباشند، با شکوه فراوان جشن
گرفته شد.

مراسم با سرود انترنا سیونال و یک
دقیقه سکوت برای گرامی داشت
جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم
شروع گردید. سپس رفیق هاشم رفایی
مسئول کمیته مرکز آموزش دربارۀ نقش حزب
کمونیست ایران در آگاه و متشکل کردن
توده های کارگرو زحمتکش سخنانی ایراد
کرد.

مراسم با خواندن چندین سرود و شعر
انقلابی، در میان شادی شرکت کنندگان
در مراسم پایان پذیرفت.

کمیته های نواحی و ارگان های تشکیلاتی
شرکت داشتند، آنها آخرین دستاوردهای
کمونیسم کارگری در برخورد به مسائل
مبارزه طبقاتی را مورد مطالعه و بحث و
بررسی قرار دادند. دروسی که در این دوره
مدرسه تدریس شدند عبارت بودند از: نقد
ما رکیستی از جامعه سرمایه داری و ارائه
بدیل سوسیالیستی، کمونیسم کارگری
بمعنای یک جریان در جنبش کارگری و
مبانی سیاسی سازماندهی ما در میان
کارگران، متدولوژی لتین در برخورد به
جامعه، انقلاب، اقتصاد و فلسفه و تامل
آن با دیگر دیدگاهها، ما رکیسم و مسئله
ملی، اوضاع سیاسی ایران و وظایف ما،
جنبش انقلابی خلق کرد و سیاست حزب
کمونیست ایران در قبال آن.

گذشته از دروس فوق که توسط مدرسین
تدریس میگردد، رفقا مقدار زیادی
نوارهای آموزشی و متون ما رکیستی
تعمین شده توسط مدرسه را گوش داده و
مطالعه کردند.

رفقای شرکت کننده که خود سالها در
کوره مبارزه طبقاتی، ما رکیسم انقلابی را
بمیان کارگران و توده زحمتکش برده و
در حدایت عملی مبارزات آنها نقش موثر
داشته پس از آنما موفقیت آمیز دوره
مدرسه به محیط فعالیت خود در نواحی و
ارگانهای مختلف حزبی بازگشتند، تا
آنچه را که آموختند به دستمایه پراتیک
غنی ترتیب دهند.

برگزاری شکوهمند مراسم سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۱۱ شهریور سالروز تشکیل
حزب کمونیست ایران مراسم با شکوهی با
شرکت شمار زیادی از رفقای پیشمرگ و
مهمانان در یکی از مقرهای مرکزی
کومه له برگزار گردید. در این مراسم که با
سرود انترنا سیونال سرود جهانی طبقه
کارگر و با یک دقیقه سکوت بخاطر گرامیداشت
جانباختگان کمونیست آغاز گردید
رفیق جعفر شفیمی عضو کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایران و عضو کمیته مرکزی
کومه له بدین مناسبت سخنانی ایراد
کرد (که در همین شماره از "پیام" درج
شده است). مراسم با خواندن سرودها،
تراکتها و اشعار انقلابی در میان شور و شوق
گرم شرکت کنندگان ادامه یافت.

گشت سیاسی - نظامی پیشمرگان در ناحیه دیواندره

بنا به خبر کمیته ناحیه دیواندره،
واحدهای پیشمرگان گردان کلاه
همراه با کادرهای دسته های سازمانده از
تاریخ ۶۶/۵/۱۴ دست به یک گشت سیاسی-
نظامی وسیع در بخشهای اشغالی خورخوره
و قمری زدند. در این گشت که تا اول شهریور
ما ادامه داشت، رفقا علیرغم اشغال
کامل منطقه در روستاهای درگوان،
بناوان، آوار، آلیجان، وزمان، با پال
درگان، قادری، تکلان، ماسدر شیخ،
دره شیخان، سیف آباد، خوشینان و قشلاقه
با مردم زحمتکش جلسات وسیع سیاسی
برگزار کرده و در جمیع کارگران روستایی
وزنان زحمتکش بطور جداگانه به تبلیغ
اهداف و برنامه حزب کمونیست ایران
پرداختند. پیشمرگان همه جا مردم را برای
اعتراض و سب و تحریک علیه سیاستهای فدا
نظامی رژیم بویژه سرک زگیری و نگهبانی
اجباری آماده کرده و سازمان میدادند،
همچنین سیاستهای جنگ طلبانه و رنجایی
حزب دمکرات را افشا کردند و توده های
مردم را به طرد و محکوم کردن هر چه بیشتر
سیاستهای خبیثکارانه آن حزب فرا
خواندند.

رفقای پیشمرگ علاوه بر این در حلال
مسائل و مشکلات مردم آنها را برپا ری و
راهنمایی کردند. طی این گشت زحمتکشان
منطقه که از قبل کمکهای مالی و نذاریاتی
خود را داوطلبانه جمع کرده بودند، آنها را
تحویل پیشمرگان دادند. و با لاف تعداد
دیگری از زنان و مردان انقلابی به
پیشمرگان ملحق شده و با طلب پیوستن به
نیروی پیشمرگ کومه له گشتند.

در مدتی که رفقای ما مشغول این گشت
سیاسی بودند، نیروهای رژیم تنها ما در
آماده باش بودند و دولتی رفقای ما در پرتو
همکاری بیدریغ مردم تغلای مذبوحانه
دشمن را خنثی کردند.

ششمین دوره مدرسه

حزبی اکتبر

موفقیت پایان پذیرفت.

در روزهای نیمه اول شهریور ماه
مدرسه حزبی اکتبر، ششمین دوره کار خود را
پس از سه ماه کار آموزشی فشرده و موفقیت
آمیز پایان داد.

در این دوره ۴۰ تن از کادرها و اعضا





اخبار توده‌ای

از این دستگیرشدگان تار سیدن این خیر ۶۳ نفر موفق به فرار از پادگانهای رژیم گردیده‌اند و به محل کار و زندگی خود بازگشته‌اند.

طبق همین خبردها تن از سربازان به زوردستگیرشده شهر و روستاهای مهاباد، از پادگانهای عجب شیر - کرمانشاه و چهل دختر فرار کرده و حاضر شده‌اند برای رژیم جمهوری اسلامی سربازی نمایند.

سردشت

روز بیست و هشتم مردادماه، مزدوران جمهوری اسلامی بداخل روستای "سی سیر" در بخش گورک سردشت ریخته و مردم را برای معرفی جوانان بالاتر از ۱۷ سال بسرای سربازی تحت فشار قرار میدهند.

اهالی "سی سیر" متحدانه اعلام مینمایند، که تحت هیچ شرایطی سرباز به جمهوری اسلامی نخواهند داد و با مبارزه متحدانه خود مزدوران را ناگزیر به عقب نشینی می‌نمایند.

با آوری می‌کنیم که این چندمین بار است تلاش رژیم برای سربازگیری در این روستا با شکست روبرو میشود.

بانه

مزدوران جمهوری اسلامی در ناحیه بانه دست به تلاش گسترده‌ای برای سربازگیری زده‌اند. نیروهای رژیم چندین پست جدید برای دستگیری مسئولین دایر کرده‌اند و برای غافلگیر نمودن مسئولین و سربازان فراری، روستاها و اماکن زندگی مردم را محاصره و با خانه‌گردی به دستگیری جوانان می‌پردازند.

نیروهای سرکوبگر در دور جدید فعالیت سربازگیری، مزدوران محلی را وسیعاً به خدمت گرفته‌اند و به تفتیش مزارع و مخفی گاه‌های تعدادی از روستاها دست زده‌اند. تعداد زیادی از مسئولان و سربازان فراری ناحیه بانه که قبلاً از تعرض مزدوران مطلع گردیده بودند، با فرار و مخفی شدن تلاش گسترده رژیم را برای دستگیریشان با شکست روبرو کردند.

یوکان

نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۱۷ مرداد ماه، مزارع روستای "قوره‌باز" واقع در بخش فیض‌الله یکی یوکان را محاصره و برای دستگیری جوانان دست به کار شدند. مسئولان و سربازان فراری که متوجه حرکت مزدوران گردیده بودند فرار کرده و خود را بداخل روستا رساندند.

مبارزه دستفروشان و دهکده‌داران

سفر

دیگر این زحمتکشان را مورد حمله و غارت و دستگیری قرار میدهند.

زحمتکشان دستفروش و دهکده‌دار در اعتراض به این اقدام سرکوبگرانه با مزدوران درگیر میشوند.

تعدادی از اهالی مبارز شهر سفر نیز که ناآرامی‌های مزدوران با زحمتکشان دستفروش بودند، به مزدوران اعتراض کرده و از زحمتکشان دستفروش و دهکده‌دار دفاع می‌نمایند.

تار سیدن این خیر تعدادی از دستگیرشدگان، در زندان شهربانی سفر بسر برده و بقیه آزاد شده‌اند.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی فشار و تضییقات خود را بر دستفروشان و دهکده‌داران زحمتکش به بیپایان‌های از قبیل "گرانفروشی"، "سدمعیر"، "نداشتن جواز کسب" و... تشدید کرده‌اند.

روز نوزدهم مردادماه مزدوران سرکوبگر به بیپایان‌گران فروشی به دهکده‌داران مستقر در "قزاق‌خانه" شهر سفر حمله کرده و تمامی وسایل آنها را به غارت می‌برند.

دهکده‌داران زحمتکش به این اقدام مزدوران رژیم اعتراض می‌نمایند و خواهان بازپس گرفتن اموال به غارت رفته خود میشوند.

سرکوبگران جمهوری اسلامی در ادامه بوزش خود روز بیست و نهم مردادماه، بار

علیه سربازگیری

دیواندره

نیروهای سرکوبگر رژیم با کنتراول جاده‌ها و محاصره روستاهای بخش خورخوره تعدادی از مسئولین را دستگیر نمودند. اما دستگیرشدگان از هر فرصتی برای فرار استفاده کرده و دسته‌دسته مراکز نظامی رژیم را ترک می‌نمایند.

در فاصله دهم تا پانزدهم مردادماه، ۸۴ تن از سربازان مستقر در پادگان آموزشی "عجب شیر" آذربایجان فرار کرده و با کمک مردم زحمتکش به محل کار و زندگی خود بازگشته‌اند.

پس از تسخیر پایگاه "یاپال" توسط پیشمرگان کومه‌له، تعدادی از مزدوران محلی سلاحهای خود را تحویل رژیم داده‌اند و صفوف دشمن را ترک کرده‌اند.

همچنین به زور مسلح شدگان روستای یاپال برای پس دادن سلاحهای رژیم دست

بمبارزه زده‌اند. مزدوران جمهوری اسلامی برای به شکست کشاندن مبارزه اهالی روستای یاپال علیه تسلیم اجباری، تعدادی از جوانان روستاهای "یاپال" و "کانی چرم" را دستگیر و روانه پادگانها کرده‌اند.

مزدوران تلاش کرده‌اند با طرح مسئله سربازگیری در این دور روستا، مردم را به قبول نگاهبانی اجباری متقاعد نمایند.

مهاباد

مزدوران جمهوری اسلامی در ۵ ماهه اول سال جاری، با غافلگیر نمودن مسئولین از طریق محاصره روستاها و کمین‌گذاری در جاده‌ها تعداد ۱۰۳ تن از مسئولین روستاهای محال بالتر را دستگیر کردند.

اخبار توده‌ای



مزدوران رژیم آنان را تعقیب کردند، اما بدلیل همکاری مردم روستا تنها موفق به دستگیری ۲ نفر گردیدند.

طبق خبر دیگری از بخش فیض‌الله یکی، روز بیست و سوم مردادماه، نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی به روستاهای "درزی ولی" و "احمدآباد" ریخته و ۵ نفر از جوانان این ۲ روستا را غافلگیر و دستگیر کردند.

سقز

فرار دسته جمعی سربازان همچنان ادامه دارد و در این اواخر حدود ۱۰۰۰ نفر دیگر از جوانان شهرستان سقز که به زور به پادگانها و دیگر مراکز رژیم اعزام شده بودند، فرار کرده و به شهر سقز و روستاهای آن بازگشته‌اند. طبق این خبر فرار سربازان چنان وسیع و گسترده است، که رژیم قادر به دستگیری مجدد آنها نبوده و عملاً سربازگیری رژیم را با وقفه و کندی بیشتری روبرو ساخته است.

علیه تضعیقات

سرکوبگران جمهوری اسلامی

سنندج

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی روز ۳ مردادماه، ۴۰ نفر از اهالی روستای "سالیان" واقع در بخش زاوه رود سنندج را دستگیر و به روستای آویسنگ منتقل می‌نمایند.

زنان مبارز روستای سالیان به دستگیری مردان آبادی توسط مزدوران اعتراض کرده و چند نفر از مزدوران را کتک کاری مینمایند.

نیروهای اشغالگر رژیم برای جلوگیری از گسترش مبارزه زنان زحمتکش و متفرد، نمودن آنها، دست به تیراندازی میزنند که در نتیجه یکی از زنان مجروح میگردد. زنان مبارز روستای سالیان علیرغم تهدید و تیراندازی مزدوران به مبارزه خود ادامه میدهند و بالاخره سرکوبگران را ناچار میکنند که هر ۴۰ نفر دستگیر شده را آزاد نمایند.

مریوان

پس از اعدام انقلابی دوجاوس رژیم

به اسمی محمد رضا خوش اقبال و فرشته با خوش توسط پیشمرگان کومه له و دستگیری جاسوس دیگری به اسم ملا محمد سردوخ در ناحیه مریوان، سرکوبگران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از همکاری وسیع و پدیدریخ مردم زحمتکش با پیشمرگان کومه له و نقش فعال مردم در شناسائی و معرفی جاسوسان به رفقای پیشمرگ، دست به ایجاد جوعوب و وحشت زده و ۸ نفر از اهالی روستای "چور" و ۳ نفر از اهالی روستای "ننه" را دستگیر کرده‌اند.

نیروهای اشغالگر در مقابل اعتراض اهالی این دو روستا به دستگیری افراد مذکور، گفته‌اند که اگر اهالی این دو روستا، نزد پیشمرگان کومه له بروند و جاسوس دستگیر شده را آزاد نمایند، رژیم نیز ۱۱ نفر دستگیر شده را آزاد خواهد نمود.

سنندج

سرکوبگران جمهوری اسلامی کوههای اطراف روستای "یاوه ریز" واقع در بخش چم شارسنندج را گلوله باران نموده که در نتیجه آن جوانی مجروح میگردد، پس از مدتی این جوان دستگیر و به مقر مزدوران منتقل میگردد. با اطلاع از ماجرا اهالی روستا در مقابل مقر مزدوران، تجمعی اعتراضی برپا نموده و با شعار "مرگ بر مزدوران" خواهان آزادی فوری فرد دستگیر شده میشوند. مزدوران رژیم که از بیم گسترش اعتراض مردم به هراس افتاده بودند، دست به تیراندازی زد، لیکن سرانجام در مقابل ایستادگی مردم ناگزیر به آزادی جوان دستگیر شده میشوند.

مریوان

مزدوران جمهوری اسلامی شب ۲۸ مرداد بسوی یکی از اهالی روستای نگل تیر - اندازی کرده و او را مجروح می‌نمایند. مردم مبارز روستا به این اقدام سرکوبگرانه مزدوران اعتراض کرده و با شعارهای "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسبان" به نیروهای اشغالگر حمله کرده و یکی از آنها را به شدت کتک کاری مینمایند.

نیروهای سرکوبگر رژیم که در مقابل اعتراض یکپارچه اهالی شاب مقامت نداشتند، دست به فرار می‌زنند. پس از فرار مزدوران از روستای نگل، اهالی اجتماعی بزرگ برپا نموده و اعلام می‌دارند که حضور مزدوران رژیم باعث ایجاد ناامنی در محیط زندگی آنان است و باید مصمانه علیه رفت و آمد آنها به روستای خود مبارزه نمایند.

طبق خبر دیگری از همین روستا، مزدوران رژیم روز سوم شهریورماه، برای مرعوب ساختن مردم برق روستا را قطع می‌نمایند. اهالی به این اقدام مزدوران نیز متحده اعتراض کرده و آنها را ناچار مینمایند که پس از چند ساعت برق روستا را مجدداً وصل نمایند.

سردشت

نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی روز ۲۶ مردادماه، زحمتکشان روستای "نستان" در بخش گورک سردشت را تحت فشار قرار میدهند که بیلافهای خود را تخلیه نموده و به روستا بازگردند و در همان حال برای مجبور نمودن اهالی چادرهاشان را گلوله باران می‌نمایند. مردم زحمتکش به این خواست مزدوران اعتراض کرده و دسته جمعی برای ابراز اعتراض خود به سوی روستا حرکت می‌نمایند.

مزدوران رژیم برای جلوگیری از هر گونه حرکت اعتراضی مردم، آنها را به گلوله می‌بندند که در نتیجه یکی از زحمتکشان مجروح میگردد.

نیروهای سرکوبگر به این اقدام جنایتکارانه بسنده نکرده و قصد آتش زدن چادرهای مردم و غارت اموالشان را می‌نمایند، که با مبارزه متحده زنان زحمتکش روستا روبرو گردیده و ناچار به عقب نشینی میشوند.

دیواندره

روز چهارم مردادماه، تعدادی از مزدوران رژیم یکی از اهالی روستای "شاقلا" در بخش خورخوره را مورد اهانت قرار میدهند. مردم روستا، بویژه زنان زحمتکش به مزدوران اعتراض کرده و آنها را از روستای خود بیرون میرانند. پس از مدتی، نیروهای سرکوبگر برای تلافی فرار مذبحخانه خود با نیروی بیشتری به داخل روستا ریخته و چندین نفر را دستگیر کرده و تحت اذیت و آزار قرار میدهند.

مریوان

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای کنترل و محدود نمودن اهالی روستای "شوشه" مرکز بخش کلاترزان از روز بیست و پنجم مرداد، حکومت نظامی اعلام می‌نمایند. مزدوران رژیم از مردم میخواهند که کسی حق ندارد قبل از ساعت هفت صبح روستا را ترک نموده و یا بعد از ساعت ۷ بعد از ظهر به روستا بازگردد.

اهالی مبارز روستای شویسه و آوارگان ساکن این روستا به این سیاست سرکوبگرانه رژیم اعتراض کرده و یکمدا اعلام می‌نمایند که حاضر به تبعیت از حکومت نظامی و اقدامات محدودکننده مزدوران نخواهند بود.

مربوان

مزدوران گروه‌ضربت رژیم برای غارت و چپاول مردم در روز هشتم مردادماه به روستای "گلپه" از بخش کوماسی مربوان رفته، که با اعتراض اهالی روبرو گردیدند. مزدوران که در مقابل هوشیاری و مقاومت مردم روستای گلپه کاملاً دستپاچه شده بودند، اهالی را به رگبار بسته و چند نفر را مجروح نمودند.

مردم زحمتکش روستا، زن و مرد و پسر و جوان اجتماع کرده و با مزدوران گسروه ضربت درگیر میشوند و روز بعد نیز برای ادامه اعتراض خود به شهرهای مربوان و سنندج رفته و جنايات نیروهای سرکوبگر را محکوم میکنند.

طبق خبر دیگری از ناحیه مربوان، مزدوران گروه ضربت "انجیران" روز دوم مردادماه برای غارت اموال مردم روستای "گاکل" به آن روستا ریختند، که با اعتراض و مقاومت مردم زحمتکش روبرو شدند.

مردم "گاکل" متحدانه علیه مزدوران بمبارزه برخاسته و آنها را از روستای خود بیرون راندند.

علیه تسلیح اجباری

سنندج

از چند ماه پیش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی اهالی روستای حسین آباد واقع بر جاده سنندج - دیواندره را برای تسلیح اجباری تحت فشار رشده قرار دادند. نیروهای سرکوبگر با دادن زدن به جوعب و وحشت موفق گردیدند که به مدت کوتاهی شبانه ۱۰ نفر از اهالی را به نگهبانی اجباری بکشانند.

اهالی زحمتکش و مبارز حسین آباد که از ابتدا مخالفت خود را با سیاست ارتجاعی تسلیح اجباری رژیم ابراز کرده بودند، روز ۱۷ مردادماه اهالی دورهم جمع شده و تصمیم گرفتند که دیگر حاضر به نگهبانی

برای مزدوران نخواهند بود و برای نشان دادن اعتراض و مخالفت خود به شهر سنندج رفته و در مقابل با تگانه افسران تجمعی اعتراضی برپا نمودند.

مزدوران رژیم ابتدا از پذیرفتن خواست اهالی خودداری ورزیدند، اما در نتیجه با فشاری متحدانه مردم روستای حسین آباد برخواست خودناچار به عقب نشینی گردیدند و به این ترتیب فشار مزدوران برای تسلیح اجباری در این روستا به شکست انجامید.

در روستای آویهنک نیز مزدوران جمهوری اسلامی از دو ماه قبل با همکاری معدودی از مرتجعین محلی، به اهالی برای مسلح شدن اجباری فشار آورده بودند و بدین منظور چندین بار آنان را به زور در مسجد روستا جمع کردند. اما مردم مبارز و زحمتکش روستای آویهنک متحدانه و یکپارچه مخالفت خود را با خواست مزدوران اعلام کرده و حاضر به پذیرفتن نگهبانی برای مزدوران نشدند.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی اهالی روستای "قولیان" واقع در بخش چم شار سنندج را نیز در تاریخ ۶۶/۵/۷ جمع کرده و از آنها میخواهند که هر شب ۹ نفر را برای نگهبانی به پایگاه رژیم معرفی نمایند. مردم روستا به این خواست ارتجاعی رژیم اعتراض کرده و روز بعد نیز درگیری بین زنان مبارز روستا و مزدوران رخ میدهد.

سپس اهالی در چندین تجمع خود تصمیم میگیرند که به هیچ وجه زیر بار این سیاست رژیم نروند و از طریق بلندگوی مسجد آبادی، تصمیم خود را به اطلاع مزدوران مستقر در پایگاه روستا میرسانند.

علیه کوچ اجباری

دیواندره

اهالی زحمتکش روستای "ترگله" واقع در بخش خورخوره که از سال ۶۴ به زور از روستای خود کوچ داده شده‌اند، به مبارزه خود برای بازگشت به روستایشان ادامه میدهند. اهالی این روستا که مدت ۲ سال است در چادر زندگی مینمایند، چندین بار به شهرهای دیواندره و سنندج رفته و در مقابل ادارات دولتی دست به

اعتراض زده و خواهان بازگشت به روستای خود و پرداخت غرامت از طرف رژیم شده‌اند. مقامات رژیم هر بار و به بهانه‌های مختلف از تا مین خواست اهالی خودداری ورزیده‌اند. قابل ذکر است که: مزدوران جمهوری اسلامی روز سوم مردادماه سال، چادرهای اهالی آواره ترگله را خیمه‌پاره باران نمودند، که با اعتراض متحدانه مردم زحمتکش این روستا روبرو شدند.

سنندج

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، زحمتکشان روستای زلکه واقع در بخش سارال ناحیه سنندج را تحت فشار قرار داده‌اند که روستای خود را تخلیه نمایند. مردم مبارز روستای زلکه متحدانه علیه سیاست ارتجاعی کوچ اجباری دست بمبارزه زده‌اند و یکمدا اعلام کرده‌اند که تحت هیچ فشاری حاضر به ترک روستای خود نیستند.

سردشت

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که چندین سال است میگویند اهالی روستاهای آن سردشت را مجبور به تخلیه روستاهای خود نمایند و سیاست ارتجاعی کوچ اجباری را به اجرا در آورند، دست به توطئه دیگری برای تعمیل این سیاست ارتجاعی خود زده‌اند. مزدوران رژیم تلاش میکنند از جنگ ایران و عراق در توار منسری آن سردشت استفاده نموده و با توجه به ناامنی که این جنگ ارتجاعی برای مردم بوجود آورده است، مردم روستا را ناچار به کوچ از روستاهای خود بنمایند.

اما این تلاش فدا انقلابی رژیم نیز، با مقاومت و مبارزه مردم روبرو شده است. نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در ادامه این سیاست خود و برای جلوگیری از بازگشت آوارگان جنگی به روستاهای خود، در تاریخ بیستم مردادماه، ده باب منزل مسکونی اهالی دوروستای "تیت پایین" و "مزناوی" را به آتش کشیدند.

سنندج

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در روز ۳۰ مردادماه به خانواده پیشمرگان بقیه در صفحه ۱۹

زمین اخبار جهان

صدها مورد اعدام کارگری در کره جنوبی طی یکماه گذشته

مبارزات کارگران کره جنوبی که در دل مبارزات توده‌ای علیه دولت ایمن کشور نقش برجسته‌تری یافته و بویژه طی هفته‌های اخیر اوج بیشتری گرفته بود، همچنان به پیش می‌رود.

چندی قبل در یک تظاهرات خیابانی پلیس بسوی کارگران تظاهرات کرده‌ها حمله کرد و به روی آنان تاش کشید. در این جنایت، یک کارگر کشته شد و دهها نفر مجروح شدند. در بیمارستانی که کارگر مقتول در آنجا جان خود را از دست داد، چند هزار کارگر به عنوان اعتراض به جنایت پلیس دست به تظاهرات زدند.

همچنین کارگران خدمات در فرودگاه سئول، پایتخت کره جنوبی، برای تحمیل خواسته‌هایشان دست به اعتصاب زده‌اند. با این اعتصاب پروازهای داخلی و خارجی در کره جنوبی مختل شده و بسیاری مشکلات دولت و بورژوازی مستأصل این کشور افزوده است.

طی یکماه گذشته صدها مورد اعتراض کارگری در اشکال مختلف اعتصاب، تجمعات، اشغال کارخانه، تظاهرات، در رشته‌های مختلف تولیدی و خدماتی این کشور برپا شده که بسیاری از این اعتراضات کارگری با برخورد خشن پلیس مواجه گشته است. اخیراً پلیس با خونسردی بیشتری با کارگران مواجه می‌شود. تنها در یک مورد بیش از سه هزار نفر از افراد پلیس به داخل محوطه یک کارخانه

اتومبیل سازی در نزدیکی "سئول" پایتخت این کشور حمله بردند.

پلیس در یورش به مجتمع‌های اتومبیل سازی و کشتی سازی ویکی از معادن این کشور که توسط کارگران به اشغال درآمده بودند عده زیادی از کارگران را دستگیر کرد.

در طول اعتصابات کارگری کره جنوبی پلیس ۵۰۰ کارگر را با اتهام ایجاد آشوب بازداشت کرده که در میان آنها عده‌ای از رهبران سندیکا‌های کارگری مهمترین گروه‌های صنعتی این کشور بچشم می‌خورد. همچنین پلیس قصد دارد ۱۲۰ نفر از کارگران را با اتهام آتش سوزی عمدی محاکمه کند.

علیرغم تشدید خنونت پلیس، کارگران همچنان مبارزات خود را ادامه می‌دهند و به خواست و افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار، خواست آزادی رهبران و همکاران بازداشت شده‌شان را اضافه کرده‌اند.

گروهی از کارگران در اعتراض به دستگیری رئیس سندیکای کارگران، ساختمان شهرداری شهر "پوسان" را به اشغال خود درآوردند.

قابل توجه است که دانشجویان کره جنوبی دور تازه مبارزات دانشجویی خود را در ارتباط و حمایت از مبارزات کارگری، از سر گرفته‌اند.

اعتماد صدها هزار تن از رانندگان حمل و نقل فیلی پین

اعلام شده با پین آورد، اما رانندگان و کارگران این کشور با اینهمه مخالفت کرده و روز چهارم شهریور، اعتماد و تظاهرات گسترده با شرکت صدها هزار راننده و کارگر حمل و نقل آغاز شد.

بدنیا ل اعلام افزایش بهای سوخت در فیلی پین، اتحادیه‌های کارگری این کشور تهدید به اعتصاب کردند. دولت خانم آکینودر هراس از برپا شدن اعتصابات کارگری، قیمت سوخت را تا نصف میزان

این اعتماد که بزرگترین اعتصاب کارگری و سراسری پس از قدرت رسیدن دولت آکینودر فیلی پین بوده است، مورد حمایت و پشتیبانی بیش از دو میلیون نفر از اعضای اتحادیه‌های کارگری و مردم زحمتکش و آزادیخواه قرار گرفت و در مانیل پایتخت فیلی پین تظاهرات وسیع برپا شد.

بدلیل نبود مسایل نقلیه عمومی در طول اعتصاب، فعالیت روزانه بسیاری از مراکز تولیدی و خدماتی واداری مختل شد. از این رو بورژوازی فیلی پین بوحشت افتاد. در جریان تظاهرات، پلیس بسوی تظاهرات کنندگان آتش گشود که منجر به کشته و مجروح شدن عده‌ای گردید. پلیس همچنین برخی از رهبران این اعتصاب و اعتراضات را دستگیر کرد. با این ترتیب یکبار دیگر رژیم آکینوما هیست ضد کارگری و بورژوازی امپریالیستی خود را به نمایش گذاشت. اما جناح تندرو، یعنی فرماندهان ارتش این کشور با بنهم راضی نشدند و سرگامه روز ۶/۶/۶۶، سومین کودتای خود را علیه رژیم آکینو برپا کردند. خانم آکینو یکبار دیگر توانست کودتای ارتش را خنثی کند، اما به بهانه کودتا تا نکهای ارتشی را به خیابان آورد و عملاً اعتماد کارگران و رانندگان را نیز در میان گرد و خاک کودتا برچید.

اگرچه اعتماد بزرگ روزهای اخیر کارگران فیلی پین اکنون به بهانه کودتا تا تمام ماند، اما نیروی اتحاد و مبارز کارگران همچنان پایدار است، همانگونه که گران و وفور دست درازی بورژوازی و رژیم خانم آکینو همچنان علیه کارگران برقرارند.

اگر در میان گسرد و خاک کودتا این اعتماد برچیده شد، اما رژیم فیلی پین نمی‌تواند بحران اقتصادی و گران‌سختی زندگی توده کارگران و شهیدستان را برچیند. بی‌شک این بحران دوباره اعتراضات و تظاهرات شده‌ای و انقلابی و کارگری را شعله‌ور می‌آورد. بویژه اینکه طبقه کارگر در این کشور همچون طبقه‌ای با نیروی اجتماعی قدرتمندی به میدان مبارزه آمده است و بیش از پیش به منافع طبقاتی خود آگاه می‌شود.

هفتاد هزار معدنچی در کشور انگلستان رای به اعتصاب دادند.

روز دوشنبه ۲۶ مرداد ، حدود هفتاد هزار کارگر معدن در انگلستان ، در اعتراض به مقررات انضباطی شدید در محیط کار ، رای اکثریت آرا ، رای به اعتصاب دادند . لازم به یادآوری است که با انتخاب مجدد حزب محافظه کارانم ناچر ، قوانین و مقررات ضد کارگری در انگلستان تشدید گشته است . تصمیم به اعتصاب از سوی معدنچیان انگلیس از اولین و مهمترین اعتراضات کارگری اخیر علیه این قوانین و مقررات انضباطی ضد کارگری به شمار میرود .

مبارزه کارگران فولاد آلمان برای تامین شغل کارگرانی که در معرض بیکاری قرار گرفته اند.

کارگران فولاد آلمان برای تامین شغل کسانی که در معرض بیکاری قرار گرفته اند دست به مبارزه زدند . بدنبال تعطیل شدن تعدادی از کارخانه های فولاد آلمان غربی ، ۳۲۰۰ کارگر صنایع فولاد آلمان در معرض بیکاری قرار گرفته اند . در اعتراض باین مسئله حدود ۱۵ هزار کارگر صنایع فولاد دست به راهپیمایی زدند . کارگران معترض گفته اند که مسئولیت بیکاری شدن کارگران ناغل به عهده کارفرماهاست و آنها موظفند تا شغل های دیگری را برای کارگران تامین کنند . کارگران صنایع فولاد گفته اند که حول این خواست مبارزه خود را سازمان داده و ادامه خواهند داد .

اعتصاب کارگران راه آهن کانادا علیه قوانین جدید در این کشور

کارگران راه آهن کشور کانادا ، علیه قوانین ضد کارگری جدید در این کشور دست به اعتصاب زدند . با این اعتصاب که از دوشنبه ۲۶ مرداد آغاز شد ، دو خط اصلی و سراسری راه آهن متوقف ماند و رفت و آمد قطارها در این خطوط قطع شد . کارگران راه آهن کانادا ، خواهان لغو محدودیت فعالیت های کارگری و اتحادیه های هستند و علیه قانون اخراج کارگران به دلیل دست زدن به اعتصاب ، اعتراض کردند . اعتصاب اخیر کارگران راه آهن ، بخشی از مجموعه مبارزات گسترده علیه قوانین جدید ضد کارگری در کانادا است . کارگران کانادا علیه این قوانین مبارزات گسترده ای را طی چند ماه گذشته برپا داشته اند .

اعتصاب ده هزار کارگر کارخانه فولکس واگن مکزیک برای افزایش دستمزد

ده هزار کارگر کارخانه فولکس واگن درمکزیک برای افزایش دستمزد تا میزان صد درصد ، از روز دهم تیرماه دست به اعتصاب زدند . کارگران طی این اعتصاب ، علاوه بر اینکه کارخانه را به اشغال خود درآوردند ، چندین بار نیز دریا پخت مکزیک دست به راهپیمایی زدند . اولین راهپیمایی در اعتراض به اقدامات مدیریت برای تحت فشار گذاشتن کارگران برپا شد . گردانندگان کارخانه فولکس واگن ، کوشیدند تا حمایت دادگستری دستمزد کارگران را کاهش دهند و شما رزیدی از آنان را اخراج کنند . کارگران در روز سوم اعتصاب بطرف اداره دادگستری راهپیمایی کردند ولی هیچک

از مسئولین مربوطه جرات نکردند در مقابل کارگران ظاهر شوند . همچنین در روز دوم اعتصاب ، حدود هزار کارگر از اتحادیه های مختلف مکزیک ، در حمایت از هم طبقه - ایهای خود در خیابانهای پایتخت دست به تظاهرات زدند و این مبارزات بیشتر آگاهی و همبستگی طبقاتی در میان کارگران مکزیک است .

- طبق خبر دیگری از مکزیک ، روز دهم تیرماه ، یعنی همزمان با اعتصاب کارگران فولکس واگن ، اعتصاب دیگری نیز در کارخانه تومبیل سازی فورد و سایر خواست افزایش دستمزد برپا شده است . ۲۸۰۰ کارگر کارخانه فورد - که در یک شهرک صنعتی در حومه پایتخت واقع است - با خواست ۲۳٪ افزایش دستمزد اعتصاب خود را آغاز کرده اند .

- بنا به خبر دیگری ، کارگران فولاد یک شهرک صنعتی دیگر حومه پایتخت مکزیک (مکزیکوسیتی) روز دهم مرداد ماه وارد نهمین از اعتصاب خود شده اند . روز بیست و دوم تیرماه کارگران اعتصابی فولاد ، در ادامه مبارزه شان ، چاهه بین شهرک صنعتی و پایتخت مکزیک را مسدود کرده و به کنترل خود درآوردند .



بقیه اخبار توده ای

کومه در روستای آویهنگ در بخش زاو رود سنج بورش بردند . زنان مبارز روستای آویهنگ بدفاع از خانواده پیشمرگان کومه برخاستند و مزدوران را مورد تعرض قرار دادند ، که در جریان آن یکی از مزدوران رژیم که نقش فعالی در این سیاست رژیم داشت مورد کتک کاری قرار گرفت .

نیروهای سرکوبگر برای جلوگیری از گسترش مبارزه زنان و متفرق نمودن آنها ، تا رنجگی بمیان زنان پرتاب نمودند که تلفاتی نداشت .

زنان مبارزو زحماتش روستای آویهنگ علیرغم فشار و تهدید مزدوران به مبارزه خود و دفاع از خانواده پیشمرگان ادامه دادند و مزدوران را تا چاره عقب نشینی نمودند .



زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!



اهمیت سیاسی اعتصاب کارگران آفریقای جنوبی

اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی که با شرکت بیش از ۳۴ هزار کارگر در بیش از ۵۲ معدن طلا و ذغال سنگ این کشور از تاریخ هجدهم مرداد آغاز شده بود، با موفقیت در تاریخ هشتم شهریور پایان یافت و کارگران توانستند با اعتصاب قدرتمند و سراسری خود، ۲۳٪ افزایش دستمزد، افزایش میزان خسارت به خانواده کارگرانی که در سوانح معدن جان باخته اند و همچنین افزایش مرخصی های سالانه را، به بورژوازی و صاحبان معادن این کشور تحمیل کنند. اعتصاب معدنچیان آفریقای جنوبی در تاریخ مبارزات کارگران معدن این کشوری سابقه بوده است. معدنچیان آفریقای جنوبی در طول ۲۳ روز اعتصاب متحدانه خود، علیرغم تمام فشارها و اقدامات سرکوبگرانه دولت و صاحبان معادن، علیرغم اخراجات و وسیع چند هزار نفری و گشتار کارگران و بستن معادن، با اراده ای استوار مبارزه شان را تا تحقق بخش زیادی از خواسته های شان ادامه دادند. آنها همچنین عزم راسخ خود را برای آزادی رفقای شان و بازگشت به کار کارگران اخراجی اعلام کرده اند.

طی این اعتصاب، کارگران معادن آفریقای جنوبی، میلیاردها دلار به بورژوازی و دولت این کشور خسارت زده و آنها را به وحشت مرگ انداختند. این اعتصاب برای کارگران آفریقای جنوبی دستاوردهای اقتصادی معینسی داشت، اما اهمیت سیاسی آن بمراتب بیشتر بود.

اهمیت سیاسی اعتصاب اخیر معدنچیان آفریقای جنوبی در این بود که قدرت جنبش مستقل کارگری آفریقای جنوبی نقش و جایگاه طبقه کارگر را در جنبش عمومی ضد تبعیض نژادی به روشنی نشان داد. به میدان آمدن کارگران با خواسته های مستقل طبقاتی خود، مبارزه قاطعانه برای رسیدن با این خواسته ها و متشکل شدن آنها در سازمانهای قدرتمند و متشکل کارگريشان، علاوه بر اینکه نشانگر مرحله تازه ای از مبارزه طبقه کارگر آفریقای جنوبی است،

بها نگر مرحله تازه ای هم از رشد جنبش ضد تبعیض نژادی علیه دولت فاشیست و نژادپرستان این کشور است. جنبشی که ستون فقرات و نیروی تعیین کننده آنرا توده های طبقه کارگر تشکیل میدهد.

اعتصاب موفقیت آمیزه ها هزار کارگر صنایع فولاد، اعتصاب کارگران رشته ماشین سازی و در رأس آنها اعتصاب پیروز متدصدها هزار نفری معدنچیان آفریقای جنوبی در راه خواسته های منفی و سیاسی شان در یکی دو ماه اخیر، نشان میدهد که طبقه کارگر آفریقای جنوبی، نه تنها پیگیرترین و قدرتمندترین نیروی اجتماعی علیه نژادپرستی و دولت نژادپرستان این کشور است، بلکه مهمترین عامل، قدرت اتحاد و شکل، بخش مهمی از خواسته های اقتصادی خود مانند افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار، بیمه مناسب کارگران در مقابل خسارت کار و... را به بورژوازی و دولت این کشور تحمیل کند.

در آفریقای جنوبی سالهاست که جنبشی همگانی علیه نابرابری میان سفیدپوستان و سیاهپوستان در جریان است. خواست این جنبش از بین رفتن هرگونه نابرابری نژادپرست، از بین رفتن فئدالیسم ترین تبعیض و تحقیرهاست که بیش از صد سال است از طرف بورژوازی و امپریالیستها به توده مردم سیاهپوست و رنگین پوست این کشور تحمیل شده است.

آشکاراست که بیشترین فشار تبعیض نژادی بردوش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند؛ در مقابل بیشترین وقایع ترسناک مبارزه علیه این نابرابری هم از سوی توده کارگران و زحمتکشان صورت گرفته است و صورت میگردد. اما بدلیل اینکه طبقه کارگر آفریقای جنوبی از حزب کمونیست خود محروم بوده، رهبری جنبش تاکنون در دست چند حزب و جریان بورژوازی قرار داشته که اگر از طرفی پرچم ضد تبعیض نژادی را بدست گرفته اند، از طرف دیگر کوشیده اند تمام مطالبات سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر را در لوای این مطالبه عمومی گم کنند و زیر پا نهند.

در چند سال اخیر که طبقه کارگر آفریقای جنوبی توانسته است در دل جنبش عمومی ضد تبعیض نژادی شکلهای مستقل خود را تحکیم کند و مطالبات طبقاتی خود را مطرح سازد، مضمون و شکل جنبش همگانی هم متحول شده است.

اگرچه کارگران آفریقای جنوبی فاقد حزب طبقاتی خود هستند حزبی که برنامها و سیاست طبقه کارگر در آفریقای جنوبی را برای برپا کردن انقلاب سوسیالیستی و برقراری حکومت کارگری روشن نماید و نیز تا کتیک ها و سیاستها شان را در دل جنبشی همگانی ضد تبعیض نژادی تعیین و هدایت کند و با این ترتیب به آنها امکان دهد و منافع مستقل خود را حفظ کنند، اما علیرغم این ضعف اساسی، باز هم به هر اندازه که متحدانه در تشکلهای کارگری به میدان آمده اند، حرکت و اعتصاب کارگری برپا کرده و مطالبات شان را از زیر دست و پای احزاب و نیروهای بورژوازی بیرون کشیده اند و بر آن پای فشرده اند نه تنها از منافع مستقل خود عملاً دفاع کرده اند بلکه مهر و نشان خود را بر جنبش همگانی ضد تبعیض نژادی هم کوبیده اند.

اکنون کارگران آفریقای جنوبی نه تنها قاطعانه تر از هر حزب و جریان بورژوازی و خرده بورژوازی سیاهپوستان بر برابرگی کامل حقوق سیاه و سفیدپای میفشارند، نه تنها نیروی عظیم و سرنوشته ساز خود را پشت این مطالبه عادلانه گذاشته اند و به شوق انقلابی برای به پیروزی رساندن آن میکوشند، بلکه از اینهم مهمترین مطالبات خود را از چارچوب مبارزه ضد تبعیض نژادی فراتر برده و در پی متحقق کردن خواسته های سیاسی و اقتصادی ای از قبیل افزایش دستمزد، آزادی تشکلهای منفی و سیاسی، آزادی اعتصاب و سایر آزادیهای دموکراتیک میباشند و تاکنون توانسته اند به نیروی اتحاد و مبارزه خود بخشی از این مطالبات را به بورژوازی هار وفا شیت تحمیل نمایند. برای نمونه در همین ماه گذشته بود که رژیم آفریقای جنوبی در برابر نیروی متحد و مبارز کارگران مجبور گشت یکی از قوانین تبعیض گر خود را که کارگران سیاهپوست را از نوع کار منع میکرد، لغو نماید. حرکت طبقه کارگر در آفریقای جنوبی برای مطالبات سیاسی و اقتصادی خود در کنار مبارزه قاطعانه اش علیه تبعیض نژادی نویدبخش دوره ای است که مبارزه علیه تبعیض نژادی بتواند به شیوه انقلابی، بدون سازشکاری نیروهای بورژوازی درون این جنبش روبه پیروزی برود و راه



بیا بیا به گروه عظیم کارگران بپیوند .
بیا وسهم خود را ادا کن
دست یاری ده
اگر دوست داری که چماق بدستان برسرت بزنند
متشکل نشو
تشکل برای تو بی ارزش است
اگر قبیل از مرگ هیچ چیز نمی خواهی
با اربابان دست بده و عاقل باش
بیا بیا کارگران سراسر جهان
بیا بیا و به جمع عظیم کارگران بپیوندید .
آنگاه حق خود را از این جهان بستانیم
بیا بیا ، سهم خود را ادا کن
دست یاری ده

"جوهیل"



حکم دادگاه سرمایه داران در ۱۹۱۵ نوامبر
سال ۱۹۱۵ در آمریکا اعدام شد .
اما "جوهیل" با ترانه های زیبای
کارگری که آتش طغیان و مبارزه ، عشق
به اتحاد و تشکل و آزادی زندگی آزاد و
برابر را در قلوب میلیونها برده ، سرمایه
زنده میکند ، همچنان در دل کارگران آگاه
سراسر جهان چون رفیقی محبوب زنده
است .
ترانه های که ترجمه فارسی آنرا
برای درج در "پيام" انتخاب کرده ایم
نمونه ای از خلاقیت "جوهیل" در بکارگیری
هنر و خدمت تشویق کارگران —
سازمانی در تشکل های کارگری است :

"جوهیل" (جوزف هیلستروم) یک کارگر
سوئدی مهاجر آمریکا بود که در میان
کارگران سراسر آمریکا و اروپا بعنوان
یک کارگر مبارز ، یک مبلغ که بوسیله
ترانه هایش کارگران را به اتحاد و تشکل
فرا میخواند ، شهرت و محبوبیت خاصی
برخوردار است .
"جوهیل" بهمان اندازه که نژاد
کارگران محبوب بود ، تنفر سرمایه داران و
عمال حکومتی و دسته های باندهای
سرمایه را علیه خود برانگیخته بود و
سرانجام نیز با توطئه آنان با تهام
شرکت در یک قتل دستگیر و به اعدام محکوم
شد و علیرغم اعتراضات گسترده کارگری به

قدرت در تشکل است!

میخواهی که در آسمان قصری از طلا داشته باشی
اما اینجا در کلبه مخروبه ای زندگی کنی ؟
میخواهی که در بهشت بالی داشته باشی و پیری
اما اینجا گرسنه و لغت باشی ؟
قدرت آنجاست در صف عظیم کارگران
آنگاه که دوشا دوش و دست در دست هم دارند .
اگر به اندازه کافی از این موعظه های ملال آور
شنیده ای

خواهی که از بردگی مزدی رهایی یابی
به گروه عظیم کارگران بپیوند .
خواهی که از فقر و گرسنگی نجات یابی
بیا بیا وسهم خود را ادا کن
دست یاری ده
این قدرتی است که بیا بیا
بر همه سرزمینها حکم کند
در تشکل عظیم کارگران

و قدرتمند خود را بوجود آورند ، علاوه بر
اینکه نقش و وزن بیشتری پیدا میکنند ،
بلکه قادر خواهند گشت جنبش انقلابی
کردستان را بدور از آشوب و خبیانت
بورژوازی محلی ، به پیروزی رسانند و
هدف خود را تا رهایی قطعی ، تا تشکیلات
حکومت کارگری دوش بدوش با بربرادران و
خواهران کارگرشان در سراسر ایران به
پیش برند . بخصوص با توجه به این نکته
اساسی که اگر ضعف اساسی امروز کارگران
آفریقای جنوبی ناشی از جنبش کمونیست -
شان است ، کارگران کردستان از آن نقطه
قوت بهره مندند و بپیوند عمیق با کومه له ،
با حزب کمونیست ایران ، حزب سیاسی
طبقاتی خود دارند .

در حقیقت بمیدان آمدن کارگران و
زحمتکشان ، مطرح شدن مطالبات مستقل
طبقاتی آنها در دل جنبش همگانی خلق کرد
و با فشاری و پیگیری کومه له بر سر این
مطالبات موجب شده است تا جنبش عمومی در
کردستان در این مقطع مضمون و شکلی
انقلابی بخود گیرد و سیاستهای بورژوازی
"خودی" نتواند آنرا تضعیف نماید . اما
تجربه دیگر حرکت کارگری آفریقای جنوبی
اینست که آنها به همان اندازه که مفوف خود
را در تشکلهای کارگری خود متحد کرده ، به
همان اندازه هم توانسته اند با نیرو و
توان بیشتری بمیدان آیند و مطالباتشان
را به بورژوازی تحمیل کنند .
کارگران کردستان هم به هر درجه ای
جنبش کارگری خود را وسعت بخشند ، بویژه
به هر درجه ای بتوانند تشکل کارگری سر تا سری

حرکت طبقه کارگران را بسوی انقلاب سوسیالیستی
و برپا داشتن حکومت کارگری هموار سازد .
برای کارگران کردستان تجربه هم -
طبقه آنها نشان در آفریقای جنوبی تجربه ای
بسیار با ارزش است . زیرا کارگران کردستان
هم مبارزه خود را در دل یک جنبش همگانی
به پیش میبرند که علیهستم و سرکوب و
نا برابری برپا شده و خود نیروی اصلی و
اساسی این جنبش را تشکیل میدهند .
کارگران کردستان هم ، همچون هم -
طبقه آنها نشان در آفریقای جنوبی ، بویژه
در سالهای اخیر بر مطالبات طبقاتی شان
بیشتر پای میفشارند و حرکت مستقل کارگران
کردستان تا کنون نیز تا شیرزبانی بر سر
جنبش حق طلبانه کردستان بجا گذاشته
است .



از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸



عبارت بود از حرکت در آوردن هر چه بیشتر ابتکارات توده‌های مردم و شرکت فعالانه آنان حفظ و پیشبرد دست‌آوردهای انقلاب، برای ابتکار اولین اتحادیه دهقانان زحمتکش در مریوان به منظور مقابله با توطئه‌های مسلحانه اربابان ورزیم و دیگر شیروهای ارتجاعی در کردستان، با شرکت ورهیری رفقای ما ایجاد گردید. این اتحادیه نیز خواهشهای خود را در روز شانزدهم اسفندماه در پی اعلام کرد و توانست پشتیبانی وسیع دهقانان زحمتکش مریوان را بخود جلب نماید. بعدها اتحادیه دهقانی چندی در نقاط مختلف کردستان با شرکت فعالانه دهقانان و زحمتکشان تشکیل شدند.

از تشکیل اتحادیه‌های دهقانی به بعد تا روزهای آخر قبل از فرمان هجوم خمینی، کردستان شاهد مبارزات توده‌های زحمتکش روستایی برای مسأله زمین بود. کمترین حسیه‌ای را می‌توان یافت که در آنجا اتحادیه‌های دهقانی برای همین منظور با زمان نیافتن با شتابند. طی همین مدت مبارزه کارگران علیه فلاکت اقتصادی شان شدت گرفت، در شهر سنندج اتحادیه

طرفیت‌های رادیکال جنبش را تا آنجا که ممکن بود بکار اندازد، شرکت در تنظیم طرح ماده‌ای مها با بدنه‌ترین مورد این دخالت‌گری بود. طرحی که علمبرگم کمبودهای قابل درک آن اهم خواسته‌های آن مقطع توده‌های مردم کردستان را از خاکمان جدید در برداشت و از تصویب نمایندگان شوراهای اعضای مردم در دیگر شهرهای کردستان و از جمله ما موستاشخ عزالدین حسینی گذشت و به هیئت‌های دولتی موقت بازرگان تحویل گردید. این طرح با موج وسیعی از پشتیبانی توده‌های مردم در سرتا سر کردستان روبرو گشت و به پشتیبانی از آن موجی از تظاهرات گسترده توده‌ای در همه شهرها و نواحی کردستان برپا شد.

اقدام دیگر کومه‌له بعد از نخستین روزهای قیام، عبارت بود از ایجاد جمعیت‌های دفاع از دست‌آوردهای انقلاب و حقوق مردم زحمتکش و دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم کردستان و آنرا در دستور کار روشنفکران و کارگران انقلابی و کمونیست قرار داد. بدینسان آن جمعیت‌هایی ما را در جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در کردستان - سنندج، جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی کرد - بوکان، جمعیت راه‌راهی زحمتکشان کردستان - نغده، جمعیت راه‌راهی زحمتکشان در کردستان - مها با دود دیگر جمعیت‌ها در شهرهای دیگر کردستان تشکیل گردیدند. کومه‌له طی اعلامیه‌ای در اوایل اسفندماه ۵۷ خطاب به مردم کردستان و همه جمعیت‌های دموکراتیک در شهرها، تشکیل این جمعیت‌های دموکراتیک را به مردم و جمعیت‌ها تبریک گفته و از آنان خواست که خود را هر چه بیشتر مسلح نموده، ضمن حفظ ارتباط با همدیگر، فعالیت‌های خود را هماهنگ نمایند. مردم شهرها و روستاهای کردستان بخاطر در اندک این جمعیت‌ها تا آخرین روزهای قبل از یورش جمهوری اسلامی به کردستان یعنی تا ۲۸ مرداد ۵۸، فعالترین شکل‌های دموکراتیک در عمیق و گسترش دموکراسی در کردستان بودند.

اقدام دیگر کومه‌له در اسفندماه ۵۷،

و نشانی از عقب‌نشینی در آنجا دیده نمی‌شد. در ۲۹ بهمن ماه ۵۷، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایسران - کومه‌له، بمناسبت شهادت رفیق محمد حسین کریمی یکی از رهبران و بنیان گذاران کومه‌له در روز ۲۶ بهمن ماه طی اعلامیه‌ای این روز را روز علنی ساختن موجودیت کومه‌له اعلام کرد. کومه‌له خطاب به توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان اعلام کرد که سازمان انقلابی توده‌های محروم و ستمدیده کردستان است. و برای نخستین بار کارگران و زحمتکشان کردستان شنیدند تشکیلاتی که موجودیت خود را علنی ساخته، می‌گوید فقط به آنان تعلق دارد و از منافعی مستقل آنان در برابر دیگر طبقات این جامعه دفاع می‌کند. در آن موقع رهبران و اعضای کومه‌له زیاده‌نویس بودند، لیکن یک دهه مبارزه سخت و پرتجربه بر علمیه حکومت‌شاه، از آنان چنان رهبران با نفوذ و اعتباری در بین روشنفکران انقلابی و توده‌های مردم ساخته بود که حضور هر کدام از آنها برای هدایت مبارزات مناطق بزرگی از کردستان کافی بود. هر چند کومه‌له رهبران خود را علنی کرده بود، لیکن در مدت کمی بخاطر همین نفوذ کلام و اعتبار رهبران او، دلسوزترین و وفادارترین و صادق‌ترین روشنفکران و کارگران انقلابی و کمونیست بدور سیاستها و شعارها و تاکتیک‌های کومه‌له جمع شدند. و بحسب تاریخ تحولات این دوره و دوره‌های بعد را نمی‌توان از تاریخ تحول کومه‌له و از هدایت ورهیری مبارزات کارگران و زحمتکشان توسط کومه‌له جدا ساخت و این حقیقتی است روشن و انکارناپذیر.

اولین گام کومه‌له این بود که به خواستها و مطالبات مردم از انقلاب و از دموکراسی ضمنی و خودبخودی سیمای روشنتری از آنچه که در ذهن توده‌های انقلاب‌کننده بود دیده‌دوینا برایشان می‌بایستی این خواستها و مطالبات را بر روی کاغذ آورد تا توده‌های مردم بدانند که این دست‌آوردها در چه شعارها و مطالباتی خود را منعکس می‌سازند. این تلاش در اعلامیه‌ها و نوشته‌هایی که در آن مقطع بطور روزمره موضعگیری کومه‌له در قبال مسائل مبرم جنبش انقلابی را در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در سطح علنی و همگانی توضیح می‌دادند به روشنی نمایان است. بعلاوه کومه‌له با شرکت و دخالت در عرصه‌های مهم سیاسی می‌کوشید

از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸



جمهوری اسلامی یکلی تحریم گردید. از این زمان به بعد نیز دولت و روسای جمهوری اسلامی علنا و آشکارا مردم کردستان را به حمله نظامی تهدید کرده و علیه دست آوردهای انقلاب در کردستان دندان فروجه می رفتند و حاکمان جدید علیه این کانون گرم انقلاب بهر بهانه ای کشته دستان می افتادند و بریده کشتنی راه می انداختند.

در ۲۰ خرداد ماه ۵۸، ارتجاع مذهبی کردستان بار دیگر به تکیا پوافتاد و کنفرانسی با شرکت مفتی زاده و فتوادلای منطقه وعده ای از ملاهای مرتجع کردستان و شرکت نماینده ای از حزب دمکرات در شهر سنندج، ظاهر بر سر خود مختاری و در واقع برای تبدیل کردن آن به توطئه جدیدی علیه دست آوردهای انقلاب و علیه توده های مردم، تشکیل گردید. در این کنفرانس توطئه جدیدی را علیه دست آوردهای انقلاب و توده های مردم بهر بیزی کرده و با کمک فتوادلای و پاداران و مرتجعین محلی ستادی را بنام ستاد پاداران انقلاب اسلامی در شهر میوان بوجود آوردند و این بود نتیجه کنفرانسی با صلاح خود مختاری ارتجاع مذهبی کردستان. هدف این ستاد عبارت بود از کمک به بازگشت ارتش و شهرهای و دیگر نیروهای سرکوبگر حاکمان جدید برای بدست گرفتن اداره شهر میوان و بقبول خودشان برای "اعاده نظم" به این شهر. و بدین سان دور جدیدی از درگیری میان نیروهای مرتجع اسلامی طرفدار رژیم که از پشتیبانی نیروهای نظامی

نمایندگان انتخاباتی مردم به هیئت اعزامی دولت موقت، آرامش مجددا در شهر سنندج برقرار شد و توطئه گریه های حاکمان جدید و مفتی زاده، مرتجع و سایر مرتجعین محلی نقش بر آب شد.

اما تعارض و اختلاف شدید میان نیروهای چپ و مرتجعین مذهبی و طرفداران همان قوت می گرفت. در شهرهای سنندج و میوان و بوکان و همچنین در بعضی از شهرهای دیگر کردستان، ارتجاع مذهبی طرفدار جمهوری اسلامی و دیگر مرتجعین محلی متشکل در ستادهای اسلامی، بورشهای مذبحانه ای را با او با نشان طرفداران علیه جمعیت ها و ستادهای نیروهای چپ آغاز کردند که بعلمت مقاومت سازمانها - فتنه - نیروهای چپ و بویژه جمعیت های شهرها و تهدید مرتجعین اسلامی به درگیری مسلحانه، راست گرایان مذهبی و دیگر مرتجعین طرفداران عقب نشینی کرده و نوعی تعادل قوا بویژه در سنندج به آنان تحمیل گردید.

این تعادل قوا به نیروهای چپ تحت رهبری گروه له در دیگر شهرها و نقاط دیگر کردستان امکان داد تا فشار مرتجعین اسلامی را پس زده و از این شرایط برای تشویق زحمتکشان روستا برای معادله کردن زمین های مالکان ده استفاده کرده و روستائیان زحمت کش را برای درهم کوبیدن ستادهای مالکان ملح سازی نمایند. همچنین نیروهای چپ به پشتیبانی توده های مردم توانستند ابتکار عمل را کلا در دست گرفته و با به اقلیت انداختن جریان راست و ارتجاعی اسلامی - آنهم بصورت اقلیتی بسیار ضعیف - مبارزات انقلابی گسترده ای را به پشتیبانی از خواست عادلانه حق تعیین سرنوشت خلق کرد و خواست حقیق حفظ آزادی بیان و عقیده و شکل بعنوان دست آوردهای انکارنا پذیر انقلاب، در مقابل رژیم و مرتجعین محلی و دیگر جریانات بورژوازی سازشکار، هدایت کرده و روز بروز توقعات دمکراتیک توده های مردم زحمتکش را در شهرها و روستاهای کردستان ارتقاء دهند.

"فرانسه دوم جمهوری اسلامی آری، با ۲۳ دردم فروردین ماه ۵۸، از جانب گروه له و ما موسیباخ عزالدین حسینی و دیگر نیروهای چپ در کردستان تحریم گردید. توده های مردم بطور وسیعی از تحریم فراند پشتیبانی کرده و سازشکاران فرصت طلب یعنی حزب دمکرات را نیز در آخرین لحظات بدنبال خود گشادهند. بدین ترتیب فرانس دوم

۲۰۰ نفری کارگران بیکار رودر شهر - پیرانشهر خانه کارگران بیکار را زمار بافت که خواستار کار و بیمه بیکاری و وام بیکاری از حاکمان جدید سرمایه بودند.

در کنار این فعالیتها آگاهگران، با زایل شدن هر چه بیشتر غبار توهومات طبقات مختلف از همدیگر، و گسترش تعارض طبقاتی بین زحمتکشان روستا و مالکان ده، بین جریانهای چپ و مرتجعین مذهبی و ارتجاع محلی متشکل در ستادهای اسلامی در داخل کردستان، این اختلافات عمق و گسترش بیشتری پیدا می کرد. شکافی که از ماههای قبل از قیام و برای نخستین بار در سنندج ایجاد شده بود، عمیق تر می شود و روستایی این جریانات و گرایشهای انقلابی کلا مخالف آن راحتمی و غیر قابل اجتناب می نمود. جمهوری اسلامی مرتجعین محلی و ستادهای اسلامی را مدعا و تقویت می کرد و از مفتی زاده، از اعلیای چپ ها و توده های مردم بیباخته استفاده می کرد. جریان نوروخونین سنندج یکی از این جلوه ها و ترفندهای جمهوری اسلامی بود. با بالا گرفتن اختلاف کمیته مدبری و کمیته مفتی زاده، مدبری در حمله مردم به پادگان این شهر گریخت توده های مردم به پادگان حمله کرده و ستاد ارتش و زاندارمری را تصرف کردند. فرمانده پادگان سنندج تحویل اسلحه ها را به حضور نمایندگان نیروهای سیاسی (جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب سنندج) منوط کرد. لیکن سرلشکر قره نسی جنابکار رئیس وقت ستاد ارتش اسلامی ایران، فرمان آتش باری شهر سنندج را به پادگان این شهر صادر کرد و فانتومهایش را بر فراز شهر به پرواز درآورد. هیئت نمایندگان اعزامی از طرف دولت موقت مرکب از لقا نسی و بهشتی و بنی صدر به سنندج آمدند و در مقابل چپ ها و توده های مردم، آشکارا جانب مفتی زاده را گرفته و قضیه اختلاف مدبری و مفتی زاده را در ز گرفتند، حتی مفتی زاده می خواست با مذاکرات و ملاقات های فردی در کار نمایندگان مردم با هیئت اعزامی دولت موقت کارشکنی نماید. حمله پادگان به مردم شهر سنندج که به کشته شدن بیش از ۴۰ تن انجامید، از طرف مردم کردستان و دیگر شهرهای ایران با ستاد رومی و گردن دوز اهدان محکوم گردید و مردم این شهرها به پشتیبانی از مردم شهر سنندج دست به نظهرات و راهپیمائی زدند. با اعلام آتش بس و تعمیل و تسویب اداره شهر توسط شورای

از ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تا مرداد ۵۸



همین حزب در اطلاعیه خود به تاریخ ۵۸/۴/۳۱ اعلام کرده که "حزب دمکرات کردستان ایران بار دیگر اعلام می‌دارد که در رویدادهای مریوان دخالتی نداشته و در آینده نیز در چنین حوادث و اقداماتی مداخله نخواهد کرد." و بعداً کوچ تاریخی مردم مریوان را تحریم کرد. به علاوه حزب دمکرات غیر از مخالفت آشکار با منافع کارگران و زحمتکشان در هر جا که امکان آن پدید می‌آید، در تمام این مدت نیز مرتباً مشغول پخش خوش بساوری نسبت به جمهوری اسلامی بوده و برای "اعاده نظم" به کردستان از طریق جوانمردهای زاندارمیری و پاسبانهای شهرهای جمهوری اسلامی مرتباً مشغول نامه نگاری و توبه و لایه به پیشگاه دولت موقت و شخص خمینی بود.

کمیته مرکزی حزب دمکرات در تاریخ ۲۷ خرداد ماه ۵۸ طی نامه‌ای خطاب به بازگان اعلام می‌دارد که:

"پس از پیروزی انقلاب، حزب دمکرات کردستان ایران تبدیل به بزرگترین نیروی سیاسی در منطقه گردیده است و بنا بر مسئولیتی که در مقابل مردم کردستان در ایران احساس می‌کند، امنیت و حفظ انضامات را در بسیاری از بخش‌های مرزی کشور عهده دار گردیده است. حزب ما پس از پیروزی انقلاب، تمام امکانات خود را در خدمت هدفهای مردمی انقلاب نهاده است. پاسباران عضو هوادار حزب ما (منظورش پیشمرگان حزب دمکرات است) بدون کوچکترین چشماندازی و بدون اینکه یک شاهی زبودجه

رژیم، رهبری و هدایت کوچ تاریخی مریوان و راهپیمایی سنندج، تحریم و فریاد دوم جمهوری اسلامی؛ شرکت در جنگ کرفتنو بر علیه مالکان مسلح روستاهای دیواندره برگزار می‌شود. روز اول ماه سال ۵۸ در شهرهای سنندج و بوکان و دیگر شهرها، برگزاری دهها میتینگ و سخنرانی در شهرها و روستاهای کردستان و جلب شرکت دادن زنان شهر و روستا در این میتینگ و سخنرانی‌های سیاسی در مناطق مختلف کردستان، همه و همه آن اقدامات آگاهانه و خستگی ناپذیری بودند که گویا در جهت ارتقاء آگاهانه زحمتکشان، بالابردن توقعات توده‌های مردم از دمکراسی و از دست آوردهای انقلاب ۵۷ برای بکار انداختن ابتکارات و دخالت مستقیم آنان در تعیین سرنوشتشان و در مبارزه طبقاتی، انجام داد تا پرونده هدایت مبارزات انقلابی مردم کردستان را در راستای منافع کارگران و زحمتکشان به پیش برد. همچنین مردم را برای مقاومتی جدی در مقابل یورش حتمی و قریب الوقوع فدا انقلاب جمهوری اسلامی به دست آوردهای انقلاب در کردستان آماده نماید. مجموعه این فعالیت‌ها و اقدامات، این انقلابی و کمونیستی، گویا در راستای پیشبرد مبارزات لایزال و جنبش کردستان قرار داده که در این میان نقش رفیق فواد بنوا یکی از رهبران کومه‌له، به او در میان کارگران و زحمتکشان و دیگر انقلابیون کمونیست، خلعت یک رهبر کمونیست خستگی ناپذیر و زمانه را داده و او را مورد اعتماد کارگران و توده‌های مردم زحمتکش کردستان نمود.

اما در این میان حزب دمکرات بعنوان یک حزب بورژوازی، از همان آغاز بر سر کار آمدن فدا انقلاب بورژوا - امپریالیستی جدید در ایران، به مداحی وی پرداخت. بنام مردم کردستان خمینی را رهبر انقلاب خواند و چشم امید بوی دوخت.

حزب دمکرات از شورای مشاوره بر علیه دهقانان زحمتکش پشتیبانی نمود و حرکت انقلابی مردم سنندج را در حمله به پادگان این شهر در فروردین ماه ۵۸ "عمل خرابکاران و توطئه‌گران" نامید و اطلاعیه خود را در این مورد در روزنامه "کمیته" به چاپ رساند. حزب دمکرات با فرستادن نماینده در کنفرانس با اصطلاح خودمختاری مفتی زاده شرکت کرد، که مستقیماً توطئه‌ای بود بر علیه مردم کردستان که میخواستند از شهر مریوان آنرا شروع نمایند، لیکن کمیته مرکزی

موجود و اسلامی شده، پادگانهای کردستان برخوردار نبودند از ظرفی و توده‌های مبارز کردستان تحت رهبری و هدایت کومه‌له و شرکت دیگر نیروهای چپ از طرفی دیگر، آغاز گردید. جمع کردن بساط مالکین مسلح و ستادهای آنان در سردشت و مهاجرت و عقب راندن آنها در مریوان و گسترش آن به دیگر نقاط در بهار ۵۸ باعث تقویت روحیه زحمتکشان و تضعیف روحیه مرتجعین گردید. جو بالایی سیاسی افکار عمومی شهرها که در اثر فعالیت‌های خستگی ناپذیر ما مدام گسترش می‌یافت در بالابردن روحیه روستائیان زحمتکش تا شیر مستقیم داشت. مردم شهر مریوان به سیاستهای جدید رژیم در رابطه با اداره شهر و دخالت نیروهای نظامی در اختیارات نمایندگان مردم این شهر اعتراض کردند. در این رابطه تظاهرات مردم مریوان در روز ۲۳ تیر ماه ۵۸ از طرف جاشها و پاسداران رژیم مورد حمله قرار گرفت. درگیری ادامه یافته و نیروهای مسلح اتحادیه دهقانان و جمعیت خواستاران حقوق خلق کورد - مریوان و توده‌های خشمگین این شهر به ستاد ارتجاعی رژیم و طرفداران مذهبی آن، حمله کرده و آنرا به تصرف کامل خود درآوردند. و درست یک هفته بعد مردم شهر مریوان، این بار در اعتراض به دخالت مستقیم پادگان مریوان در امور مربوط به مردم این شهر و تهدیدهای این پادگان به یورش مسلحانه به شهر، شهر مریوان را کاملاً تخلیه کرده و کوچ تاریخی خود را آغاز کردند. کوچ تاریخی مریوان با راهپیمایی با شکوه مردم سنندج و راهپیمایی مردم دیگر شهرهای کردستان مورد پشتیبانی قرار گرفته و علیرغم تحریم آن از جانب حزب دمکرات با موفقیت مردم و عقب نشینی رژیم اسلامی پایان یافت. لیکن کردستان همه جا در حال غلبه بود و کومه‌له با آنچه که در توان داشت توده‌های مردم را برای مقاومت مسلحانه در برابر یورش حتمی جمهوری اسلامی آماده میکرد.

آغاز اعلام علنی کردن موجودیت کومه‌له بعنوان نقطه اتکا کارگران و زحمتکشان و انقلابیون کمونیست، پیش نهاد طرح ۸ ماده‌ای مهاجرت، ایجاد جمعیت‌های دموکراتیک در شهرها با وجود آوردن اتحادیه دهقانان در مریوان و بدنبال آن در دیگر نواحی کردستان؛ شرکت در مبارزات قهرآمیز و مسلحانه زحمتکشان روستا علیه مالکان و مرتجعین زورگو و مسلح؛ سازمان دادن سریع مقاومت در برابر ارتجاع اسلامی طرفدار

از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸



نیما رستا نشان خواهد کرد...

حماه ۸ سال مقاومتی انقلابی و سرخسختانه که امروز نیز همچنان استوار و پابرجا بردوش کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های ستمدیده کردستان به پیش می رود، با این فراخوان و این تعهد تاریخی شروع گردید و این سنگر انقلاب ایران همچنان تحت رهبری حزب کمونیست ایران در راستای منافع طبقه کارگر می زند.



کارگران رزمنده ایران! همان استثمارگرانی که خون و زندگیتان را به بیعما می برند، همانهایی که کاهای با شکوه و زندگی پر جلال و شرفهای افسانه ای شان را با عرق جبین شما بدست آورده اند، همانها سودای ناخت و تازهای چنگیزی را در گوشه ای از میهنمان، کردستان عزیز، در سر می پرورانند، اینها از ده های هفت سری هستند که سوری در کردستان، سری در پالایشگاه نفت آبادان و خوزستان و سری در سیستان و بلوچستان دارند...

هم میهنان مبارز! سازمان ما تعهد تاریخی میدهد که با تمام قدرت و با استفاده از کلیه نیروهای انسانی و مادی در جهت شرکت در امر مقاومت و تشکیل سازماندهی توده ها تلاش نماید و پیگیری مبارزه را در جهت نابودی فاشیسم، شکست امپریالیسم و مرتجعین وابسته به آن و بقدرت رساندن طبقه کارگر ایران ادامه دهد.

برای مبارزه با اشغالگران به هر شیوه ای باید متوسل شد. با تظاهرات، تحصن، تحریم معامله با آنان، در اختیار قرار ندادن مسکن، راه ندادن به مسجد و اقداماتی از این دست به آنان نشان می دهیم که نه بر سر زمین کردستان، بلکه بر دریا بی از آتش پاننده اند. درنگه کردن به آنان ختم انقلابی خود را چون خار مغیلاں در چشم آنان فرو می کوبیم و نشان می دهیم جنون جنگی که آنها را به کردستان کشانده است راهی

دولتی استفاده کنند، داوطلبانسه در امنیت و آسایش مردم حفاظت نموده اند. دولت مهندس بازرگان با بد توجه داشته باشد که در کردستان گروه های مسلح بسی مسئولیتی وجود دارند که هر چند نفوذ آنان در میان مردم اندک است لیکن امکان دارد در مقابل اقدامات نسنجیده ما مورین عکس العمل نشان دهند و فاجعه جدیدی دامنگیر خلق ما بشود. جالب است، حزب دمکرات اوضاع کردستان را به روایت خود رزیم توصیف می کند. آن "گروه های مسلح بسی مسئولیتی که نفوذشان در میان مردم اندک است" کسی جز مردم کردستان و سازمانهای انقلابی و کمونیست نبودند و اقدامات نسنجیده ما مورین چیزی جز تسویب باران شهر سنج در نوروز ۵۸، جسز جنایت پاسداران و دیگر توطئه های ضد انقلابی ما مورین رژیم نبود و سرانجام آن "فاجعه جدید" چیزی جز جنبش انقلابی حاضر مردم کردستان نبود. سرانجام رهبری کومه در ادامه فعالیت های خستگی ناپذیر انقلابی و کمونیستی خود که در جهت آماده کردن توده های مردم کردستان برای مقابله با یورش حتمی و قریب الوقوع ارتش و پاسداران و عربده کشان حزب الله انجام داده بود، بلافاصله بعد از فرمان هجوم خمینی فراخوان نهایی خود را به کارگران و دیگر توده های مبارز کردستان در اعلامیه "خلق کرد در بونه آزمایش" صادر کرد که با هم به قطعاتی از آن گوش می دهیم:

منتشر شد

کمیونیت
دوران مبارزانه حزب کمونیست ایران
اساسنامه برای یک حزب کارگری
جنگ خلیج
چرا حزب دمکرات به سیاست جنگ علیه کومه له اجازه میدهد؟
انقلاب در برونز و برونز دوم نیمه کیهنوری
اعلامی برای مردم جنوب کوه های کوهستان
هنر از فرهنگ و فرهنگ هنر



گواهی باد باد چاباختگان راه سوسیالیسم

کاوه و نگروز ومدتی نیز در مقرزندان منطقه جنوب کردستان ومدتی هم در انتشارات مرکزی کومه له بود. اما بیشترین دوران پیشمرگ بودنش را در یکی از واحدهای صدای انقلاب ایران کا رکرد، رفقایش به یاد دارند که چگونه برای بهتر انجام دادن وظایفش بسیاری از شبها را تا دیروقت کار میکرد، با صمیمیت و رفاقت کمونیستی، با متانت و احساس مسئولیت تا جایی که می توانست در حسل مشکلات رفقایش را یاری می داد. منافقان این رفیق فداکار و کمونیست در تاریخ ۲۵ شهریور ۶۵ در جریسبان اما بت گلوله توپ ارتش عراق به یکی از مقرهای مرکزی کومه له موردا ما بت ترکش توپ فرا گرفت و جان باختند. یادش گرامی باد!

گرامی باد یاد

جانباختگان راه سوسیالیسم



درود به پیشمرگان کمونیست و انقلابی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران که در راه سوسیالیسم، در دفاع از دموکراسی انقلابی و در دفاع از خلق کرد در تمسین سرنوشت خود، جان خود را در کردستان انقلابی از دست دادند.

اسامی رفقای جانباخته نیمه اول شهریور ۶۶

۱) عمرآوخ (عمرشوراوه) در تاریخ ۶۶/۶/۱۴ در جریان تعرض قهرمانانه پیشمرگان کومه‌له به نیروهای جمهوری اسلامی در آبادی "میشیاو" از توابع سرشیو سقز جانباخت.

۲) معطفی نوری (معطفی آویهنگ) در تاریخ ۶۶/۶/۵ در حین انجام ماموریت تشکیلاتی در یک نقطه مرزی بر اثر انفجار بمب مزدوران جمهوری اسلامی جان باخت.

و ایستادگی در برابر سبیل خروشان توده های محروم ندارد.

رفیق عثمان به تدریج و در کسوره شعله ورمبارزات توده های محروم آبدیده ترمیشد و با بهره گرفتن از دستاوردهای انقلاب، خود را برای مبارزه و فعالیت علیه نظام جنایتکار جمهوری اسلامی آماده می‌کرد. رفیق عثمان در گرما گرم مبارزات توده ای با کومه‌له پیوند تشکیلاتی برقرار نموده و در میان مبارزین و توده های زحمتکش مریوان به عنوان چهره ای محبوب و انقلابی شناخته شد. پس از قیام و در مقطع حاکمیت انقلابی و دمکراتیک مردم شهر مریوان یکی از رفقای مبارز کومه‌له بود که به دلیل فعالیت خستگی ناپذیر و انقلابی، چون غاری به چشم مرتجعین و وابستگان جمهوری اسلامی فرورفته بود. با تشکیل اتحادیه دهقانان مریوان و او را مان در چند تیم پزشکی در محلات شهر و روستاهای ناحیه به مناسبت به هواداران این اتحادیه به فعالیت درمانی پرداخت. در تیرماه سال ۵۸ در جریان تصرف مقر مزدوران در داخل شهر مریوان چون رفیقی پیشمرگ جورانسه شرکت نمود و سپس در جریان کوچ تاریخی مردم شهر مریوان به عنوان یکی از مسئولین امور بهداشتی و پزشکی آوارگان فعالیت نمود.

در دوران جنبش انقلابی مردم کردستان، بنا به تصمیم کومه‌له در شهر ما ندو علیه نیروهای مزدور و اشغالگر رژیم به فعالیت پرداخت.

با پیروزی سال ۵۸ بعد از تصرف مجدد شهر مریوان توسط مردم و پیشمرگان، در تشبیه قذرت دمکراتیک و انقلابی مردم شهر نقش چشمگیری داشت و در مجموعه ای از فعالیتها کومه‌له فعالانه شرکت نمود. رفیق عثمان حقیقت از این پس انقلابی حرفه ای بود که به صفوف پیشمرگان کومه‌له پیوسته بود و با تمام نیرو و توان انقلابی برای پیشبرد مبارزه طبقاتی تلاش میکرد.

بها سال ۵۹ هنگامیکه نیروهای اشغالگر رژیم مجدداً به کردستان یورش آوردند رفیق عثمان نیز در مقام و سمت ملحقان مردم مریوان شرکت نموده و برای سازماندهی و هدایت این مقامات ملحقان و توده ای علیه نیروهای سرکوبگر رژیم فعالانه تلاش می‌نمود. رفیق عثمان در این زمان با تعدادی از رفقای همسنگر قدیمش چون رفیق هوشنگ مجاری در کنارستان دفرماندهی عملیات دفاع از شهر، مسئولیت یک کمیته پزشکی را به عهده گرفته و به مبارزه انقلابی دارو و

گرامی باد یاد رفیق جانباخته عثمان حقیقت کادر برجسته

حزب کمونیست ایران و عضو کمیته ناحیه مریوان

در میان مبارزین شهریوان که رفیق عثمان نیز از سال ۵۵ به بعد در درون این محافل به فعالیت مبارزاتی روی آورد. پس از اتمام تحصیل به سرپازی رفت و سپس در آموزشگاه بهبازی شهر سقز در رشته پزشکیاری و کمک دارو سازی شروع به کار نمود.

رفیق عثمان حقیقت در این دوره از زندگی مبارزاتش توانست با تعداد زیادی از زحمتکشان شهر و روستاهای سقز از نزدیک آشنا شده و به پارویا و جمعیتی و محبوب آنها تبدیل گردد.

رفیق عثمان سپس به مریوان انتقال یافت و هم‌دوش زحمتکشان و انقلابیون کمونیست این ناحیه در مبارزات شکوهمند سال ۵۷ فعالانه شرکت نمود. این مبارزات برای انقلابیونی چون رفیق عثمان به مثابه مدرسه ای بود که در آن مجموعه ای درس و تجربه مبارزاتی آموخته و با چشم خود دید که هیچ حکومت جنایتکار سرمایه داری توان مقاومت

نام رفیق عثمان حقیقت (دکتر عثمان) برای زحمتکشان ناحیه بوکان مغز مریوان نامی آشنا و عزیز و بسیار سیما کمونیستی متین و مبارز و بسیار دلسوز است.

رفیق عثمان یکی از کارکنان برجسته حزب کمونیست ایران بود که در پروسه زندگی و مبارزه انقلابی دهها فرازونشیب را پشت سر نهاده و تا آخرین لحظه زندگی مبارزاتش لحظه ایسی از مبارزه و تلاش برای رهایی طبقه کارگر و محرومان از چنگال نظام کثیف سرمایه داری باز نایستاد.

۲۲ سال پیش در خانه ای زحمتکش در شهریوان بدنیا آمد. تا پایان دوره دبیرستان در همین شهر به تحصیل پرداخت، محرومیت ها و ناملها بر بهای جامعه سرمایه داری را در همان دوران کودکی و دانش آموزی لمس کرد. آخرین سالهای تحصیل رفیق عثمان همزمان بود با تشکیل جمعها و محافل سیاسی و مبارزاتی

وسایل پزشکی موسسات دولتی برداخت و پس از تخلیه شهر به عنوان مسئول پزشکی ناحیه مریوان به فعالیت خود ادامه داد.

رفیق عثمان حقیقت به دلیل مجموعه ای خصوصیات کمونیستی و انقلابی در سال ۶۱ به عنوان عضو رسمی کومه‌لله

شناخته شده و به این ترتیب مسئولیت‌های سنگین تری بر دوش گرفت. توده‌های زحمتکش ناحیه مریوان به یاد آرند که دکتر عثمان چگونه با نهایت جسارت و فداکاری از میان دهها بیگانه و مقرر مزدوران اشغالگر عبور می‌کرد و خود را به بالین بیماران نشان می‌رساند و تمام نیرو و توانش برای معالجه آنها تلاش می‌نمود و دهها تن از زنان و مردان زحمتکش و همچنین دهها رفیق همسنگر را از مرگ نجات داده و این فداکاری‌ها چگونگی غا طراتی همیشه بیادماندنی از او بجا مانده است.

رفیق عثمان در عرصه کار و فعالیت نظامی هم پیشمرگی جسور و فداکار بود، شرکت در عملیات‌های بزرگی چون تصرف مقر و پایگاه دکل در بلندبهای شهر مریوان، تصرف

مقر مزدوران جمهوری اسلامی در روستاهای چور، سرو آباد، ماموله، بلج‌سور، رشده و کلنگه‌جان، شرکت در عملیات‌های حماسی و در هم شکستن بورشهای رژیم در ناحیه مریوان و دهها عملیات بزرگ و کوچک دیگر، عرصه‌های فعالیت مسلحانه‌ای بودند که رفیق عثمان در آنها شرکت نمود.

رفیق عثمان در عرصه فعالیت سیاسی نیز چون مبلغی کمونیست در محافل و جمعهای زحمتکشان حضور پیدا می‌کرد و با زبانی شیرین و ساده‌هدف و سیاست‌های حزب کمونیست ایران را تبلیغ می‌نمود و آنها را به مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری فرا می‌خواند.

در عرصه فعالیت حزبی نیز رفیق جدی بود و با نهایت احساس مسئولیت حزبی برای رفع مشکلات رفقایش تلاش می‌نمود. رفیق عثمان از سال ۶۴ به بعد، جدا از مسئولیت پزشکی ناحیه مریوان به عنوان مسئول سیاسی پل، مسئول سیاسی گردان کاک فواد و مسئول دسته سازمانده بخش خاومیرا با دوجوجه توانایی و کاردانی خود را به اثبات رسانید.

تاستان سال ۶۵ در پنجمین دوره

مدرسه حزبی اکتبر شرکت نمود و در زمستان سال ۶۵ در سمینار اعضای ناحیه مریوان به عنوان عضو کمیته ناحیه انتخاب گردید و به این ترتیب عرصه کار و فعالیت انقلابی گسترش بیشتری یافت. پس از این سمینار همراه با یک واحد پیشمرگان در میان توده‌های زحمتکش به فعالیت ادامه داد.

در این دوره از فعالیتش که متأسفانه آخرین دوره فعالیت رفیق عثمان بود در تعدادی از مأموریتها و فعالیت‌های نظامی مانند تصرف مقر مزدوران رژیم روستای کلنگه‌جان، شرکت نموده و سرانجام روز هشتم خردادماه سال در جریان مقابله با یورش چندین گروه ضربت رژیم به یکی از واحدهای پیشمرگان کومه‌لله در آبادی "سه‌سی" در ۵ کیلومتری شهر

مریوان پس از نبرد قهرمانانه‌جان باخت. با جان باختن رفیق عثمان حقیقت حزب کمونیست ایران، طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش کردستان کادری برجسته و رهبری محبوب و دلسوز را از دست دادند.

یادش گرامی باد!



گرامی باد یاد رفیق جانباخته نسرین رستم‌گرچی (ویدا) پیشمرگ دلسوز و فداکار کومه‌له

خاطره فداکارها و دلسوزبهای رفیق نسرین رستم‌گرچی هیچگاه از یاد رفقای پیشمرگ همسنگرش نخواهد فرست. رفیق نسرین رستم‌گرچی در زمره زنان کمونیستی است که زنجیر بردگی زن بودن را با اراده انقلابی خود از هم گسسته و به مثابه مبارزان راه‌های طبقه کارگر و تمامی انسانهای محروم ورنجیده سلاح مبارزه انقلابی و کمونیستی را به دوش گرفته و علیه دنیا یستم و سرکوب سرمایه‌ایستا ده‌اند و مصلحت‌گرایان همیشه‌پایان دهند.

ایمان عمیق به مارکسیسم-لنینیسم همراه با مجموعه‌ای خصوصیات والا ی کمونیستی سیمای رفیقی محبوب و بیاد ماندنی به رفیق نسرین داده بود که برای همیشه در قلب رفقای همسنگرش جای دارد و گرامی می‌دارند. ۲۷ سال پیش در شهر سنج بدنیآ آمد. تا سال اول دانشکده بهداشت تحصیل نمود و سپس به دلیل فعالیت سیاسی اخراج شد. در جوانی انقلابی شهر سنج در سال ۵۷ با

مبارزه سیاسی آمیخته شد. همزمان تا آن‌جا که با کمونیسم به مثابه علم رها بی بخش طبقه کارگر آشنا شده بود تصمیم گرفت مانند کمونیستی برای تحقیق و سوسیالیسم و ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابر مبارزه کند. در سال ۵۸ ابتدا هوادار سازمان جریکهای فدایی و سپس هوادار اتحادیه کمونیست شد. آنچه از ابتدای مبارزه سیاسی برای رفیق نسرین مهم بود فعالیت در تشکیلاتی بود که برای رها بی طبقه کارگر و محرومان جامعه مبارزه کند. در این پروسه بود که سال ۶۲ به عنوان هوادار کومه‌له و به منظور پیوستن به صفوف پیشمرگان کومه‌له از شهر خراج شد و از همان ابتدای فعالیتش



در صفوف تشکیلات کومه‌له با پیگیری و فداکاری یک مبارز کمونیست به کار و فعالیت پرداخت. رفیق نسرین در طول مبارزه انقلابی در بسیاری از عرصه‌ها کار به عهده گرفت. مدتی در گردان

بقیه در صفحه ۲۵

دربارهٔ اعلام تغییرات جدید در پیش نویس قانون کار اسلامی

روز ۹ شهریور ماه - یعنی یکسال بعد از انتشار لایحه کار با همان چهارمین پیش نویس قانون کار اسلامی - کمیته لایحه کار را در کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس اسلامی، تغییرات جدید در لایحه کار را اعلام نمود و چنین پیداست قانون کار اسلامی که تا بحال چندین پیش نویس را از سر گذارنده عملاً با طرح یک پیش نویس تازه روبروست.

مقامات جمهوری اسلامی خود با راه به مراجع اعلام کرده اند که "مسئله قانون کار یک مسئله حساس است؛ حساسیت مسأله قانون کار را ما ما در این است که عمومی ترین ضوابط و مقررات قانونی بقیه در صفحه ۸

از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۵۸

داران به همراه مرتجعین محلی زمان شاه، در پناه کمیته ها و ستادهای انقلاب اسلامی موضع گرفته و به یمن به قدرت رسیدن حاکمان جدید، علیه چپ ها و کمونیست ها شاخ و شا نه می کشیدند و شمار نابودی آنان را سرداده بودند. با خلع سلاح مراکز نظامی، مردم عملاً مسلح شدند و مسلح ماندند، آزادی بیان، مطبوعات، تشکل، احزاب، معسلا برقرار گردید. برخلاف انتظار رژیم جدید و ارتجاع محلی توده های قیام کننده با تسلیح همگانی خود با جا رو کردن پایگاههای رژیم شاه و تعرض به پایگاههای بزرگ تر او، سودای گسترش و تعمیق انقلاب را در سر داشتند

بقیه در صفحه ۲۲

قیام بهمن ماه ۵۷، آغاز جدی پروسه تعمیق انقلاب در راستای منافع مشخص پرولتاریا بود و آنچه در کردستان نیز همانند دیگر نقاط ایران بوقوع پیوست چیزی نبود مگر اثبات این واقعیت، مالکان و اربابان دوره اصلاحات ارضی شاه از ترس زحمتکشان روستا بلافاصله و بسرعت خود را مسلح ساخته و در بعضی از مناطق کردستان، مانند سومالی و برادوست حتی پیش دستی کرده و روستا ثانی این منطقه را چند ماه قبل از قیام به ترک خانه و کارخانه خود مجبور ساخته و آنرا به زور به شهر ارومیه کوچ دادند. در روستا ارباب مسلح و زحمتکش مسلح در مقابل هم صف آرای می کرده بودند. در شهرها نیز تجار روستا به

با کمونیست و صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

در مکاتبه با ما به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱) با زماندهی و برقراری رابطه تشکیلاتی حزب با هواداران از طریق مکاتبه صورت نمیگیرد. ۲) گزارشهای خبری را بطور غیر مستقیم، بهمنی با کمک دوستان و آشنایان خود در خارج کشور، برای ما ارسال دارید. ۳) در صورتیکه میخواهید سوالات و نقطه نظرات سیاسی خود را در مورد موانع و تسلیفات حزب و یا مسائل دیگر با ما در میان بگذارید و تا ما شما را جوابی گزارشهای خبری نیست، همیشه نباید ما را مستقیماً به آدرسهای اعلام شده پست کنید. ۴) در مکاتبه چه از طریق مستقیم و چه غیر مستقیم، این نکات را اکیداً رعایت کنید: از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد ما کن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت خودداری کنید، خط خود را حتی المقدور نشمارید و بنامها را از شهرهای کوچک و یا منطقه زندگی خود پست نکنید و بنامها را حداقل در دو نسخه و از محل های مختلف پست کنید.

آدرس انگلستان

آدرس آلمان

BM. BOX 3123
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

Post Fach 111547
6300 Giessen 11
W. Germany

ANDEESHEH
C/A 23233257 (اندیشه)
NATIONAL WESTMINSTER BANK
75 SHAFTSBURY AVC
LONDON W1V8AT
ENGLAND

در صورتیکه با فعالین حزب ارتباط ندارید، میتواند کمکهای مالی خود را به حساب بانکی زیر در خارج کشور واریز کرده و یک نسخه از رسید بانکی را به یکی از آدرسهای نشانی حزب ارسال شما شد.

☆

صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۷۵ متر و ۶۵ متر
ساعت پخش: شنبه تا پنجشنبه: ۸/۵ بعد از ظهر و ۶/۴۵ صبح
جمعه ها: ۸ صبح و ۸/۵ بعد از ظهر
ساعت پخش به زبان ترکی: یکشنبه و چهارشنبه: ۱۰ بعد از ظهر
دوشنبه و پنجشنبه: ۸/۱۵ صبح

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست ایران را به اطلاع همه برسانید.

☆

صدای انقلاب ایران

طول موجهای: ۴۹، ۶۵ و ۷۵ متر

ساعت پخش: بعد از ظهر ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۴۵ بزبان کردی
۱۲/۳۵ تا ۱۳/۴۵ بزبان فارسی
عصر: ۱۷/۳۰ تا ۱۸/۴۵ بزبان کردی
۱۸/۲۵ تا ۱۹/۱۵ بزبان فارسی

زنده باد سوسیالیسم!